# دورهٔ امانی

نگرشی بر اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

کاندید اکادمیسن دکتور اسدالله حبیب

کابل ۱۳۶۸ هجری شمسی

# دورهٔ امانی

نگر شی بر اوضاع سیاسی، اجتماعی وفرهنگی




نشر کردهٔ مرکز زبانها وادبیات اکادمی علوم جمهوری افغانستان

کاندید اکادمیسین دکتور اسدالله حبیب

کابل ۱۳۶۸ هجری شمسی



| | |
| --- | --- |
| نام کتاب | دورهٔ امانی |
| نویسنده | کا ند ید اکا دمسین د کتور اسدالله حبیب |
| تیراژ | ۲۰۰۰ |
| ناشر | اکادمی علوم ج.ا |
| سال | ۱۳۶۸ - |
| محل طبع | مطبعه دولتی |

# فهرست عناوین

# سرسخن

چند سالی پیش ازین ،بنا بـــرضرورت وظیفه، یعنی تدریس‌ادبیات معاصر دری جراید ومجله های‌نیمه‌اول سدهٔ بیستم را ورق میزدم. در راستای نمونه گـزینی ونقل ویـادداشت، مطالبی راجع به وضع اداره وسیاست وفرهنگ که در تـوضیح‌مسایل کار آمد بود یا موادی برای مقدمه بررسی ادبی فراهم میساخت‌نیز توجهم را جلب مینمود که یـا د داشت برمیداشتم .

سر انجام مقداری معلومـــات دربارهٔ وجوه گوناگون دوره امانی گرد آمد که چندی از یك الماری به‌دیگری‌جا به‌جا میشد ومشغولیت ها فرصت رسیده‌گی به آن نمیداد .

اخیراً یاد داشتهای مذ کور را ازنظر گذراندم وبه اندیشه یی افتادم که تلفیق وتألیف آنها در شکـــل‌رساله‌یی عاری از سودمندی نخواهد بود، باآن وصف که بعض مآخذ ا زقلم مانده اکنون دور از دسترس قرار داشت ومراجعه دو باره میسرنبود .

پیرامون موضوعاتیکه درین رساله‌سخن رفته است، در مقاله ها وکتب تاریخی مطالب پراگنده میتوان یافت‌اما نگارنده مستقیماً از جرایـــد نظامنامه ها ودگرنشریه های آن‌دوره‌استفاده نموده است وآنرا مرجـــع پنداشته است .

به این سوال که امکان ارائه آن‌بعید نمیباشد باید از قبل پـاسخ گفت که هر چند مطبوعات نمیتواندحرفی جز آنچه باید برزبان آورداما در دوره امانی رسم چنان بود کـــه‌اخبار رخداد های کوچك وبزرگ با دقت وامانت داری در نشریه هـــای‌مرکز وولایات انعکاس یابد ومی‌یافت

واز ینرو باز تاب مسایل را در آینه‌جراید آن روز گار به روشنی میتوان دید .

همچنان در کنار«امان افغان»نشریه های مخالفی چون«حبیب-الاسلام» «وشایعات باطله شاه‌مخلوه»وغیره نیز مطمح نظر نگارنده بوده است تا از خط حقایق به این‌یاآن‌سو لغز شی صورت نگیرد .

تألیف ونگارش فصول این دفتربرمبنای هدفی صورت گرفته است که بربرگهای آن تصویری‌از زنده‌گی‌لایه‌ها وطبقات‌گوناگون‌مردم وسیمای شخص امیر را بتوان مشاهده‌نمود.

امیر امان‌الله در تاریخ کشور مایگانه پادشاهیست‌که بیش‌از همه‌در باره اش ضد ونقیض سخن گفته اندومیان نویسنده گان موافق ومخالف وی فاصله های زیاد یست ومخالفان اقدامات وی همیشه بیشتراند.

به نظر من یگانه دلیل این وضع‌اینست که‌امیرموصوف مانند‌اسلاف خویش همه مساعی را برای براندا ختن رقبای سلطنت صرف ننمود بلکه از حلقه حفظ قدرت برون‌جست‌وبه‌کار های بزرگی مانند استرداد استقلال ترقی وپیشرفت کشوررشد علوم وفرهنگ وفراهم آوری رفاه مدنی معاصر برای مردم دست‌یازید .

اقدامات وی هم باعادت دیرینه‌جوامع عنعنی شرقی برابر نبود وهم به چشم دول غربی غیر عادی‌وخشن‌می‌آمد وشجاعت واطمینان وعشق داغ او به پیروزی آرمانهایش‌بدون‌شك کینه انگیز بود .

در حالیکه‌هرگز قصد بزرگداشت‌وآرایش رخداد هارا ندارم نمیتوانم فراموش نمایم که برای امیر امان‌الله‌نیز نمونه های ستم وبیداد ومعامله باانگلیس وجود داشت وآن راه هادر تاریخ کشور ما کوبیده تر و هموار تر بود تاسنگلاخی که او برگزید وسلطنت رابر سر آن‌گذاشت.

از اینکه‌این‌رساله بنا برفشرده‌گی‌مطالب سیمای مغشوشی از دوره مورد نظر را ارائه خواهد نمود‌مشوشم واز خواننده گان محترم پوزش طلب مینمایم .

کاندید اکادمسین‌دکتوراسدالله‌حبیب
کابل ۱۳۶۸

# افغانستان در آغاز سدهٔ بیستم

**در دوا م سدهٔ نزدهم و تا سال** ۱۹۱۹ که مرد م افغانستان باسومین ستیزهٔ پیروزمند استعما ربرتانوی را شکست دادند و به آزادی کامل سیاسی دست یافتند امرا ی کشور به میل و یا اکراه در گره پیما ن ها یی بااستعمار بسته بودند و آن پیمانها بقا ی قدر ت را در هیچ دستی ضما نت نمی کرد ودراصل قفلی برای دروازه شما ل غربی هند بود و سنگ ی فراپا ی مرد م ما که نمی توانستند به آزادی وبه خواست خود راه زنده گی را بر گزینند و آزادانه در مسیر تر قی کشو رگام بر دارند .

دست استعمار در آن سا لها بامقدرا ت افغانستا ن بازی هـای آشنا کی کرد ، تاحد تجا وزهای مسلحانه سالها ی ۱۸۳۸ و ۱۸۳۹ و۱۸۷۸ و ۱۸۷۹ که در تاریخ به نام جنگها ی او ل ودو م افغان وانگلیس نا میده شده است. اقشا ر وطبقات باشنده این مر ز بو م در آن نبرد های دفاعی برای آزاد کرد ن هرو جب زمین بهتر ین فرزندا ن خود را از دست دادند .

در آغاز سدهٔ بیستم که زیر تاثیر اصلاحات اقتصاد ی زما ن امیـر شیرعلي وامیر عبدالر حمن پویایی د رسطح روشنفکر تازهٔ سر بـر

آورده بوجود آمده بود ـ با اثــر پذیری از انقلابات دموکرا تیــک کشور ها ی همسایه و نااستواری مکرر در بار ها در برابر مدا خله وتجاوز های استعما ر و خودسری های امرا درکار کشور داری سرـ شت حکومت ها توجه روشنفکرا ن نورسیدهٔ نماینده سر ما یداری را بخود خواند .

امیر حبیب الله با اثر پذیری ازآراء روشنفکرا ن زما ن خــود به اصلاحات روبنایی دست یازید .درسا ل ۱۳۲۲ مکتب حبیبیه رااساس نهاد. این مکتب که درتاسیس آن مساعی وتشویق روشنفکرا ن آزادی خواه وترقی طلبی چون مولــوی عبدالرب پسر مولو ی عبدالرو ف ملای حضور ، مولوی محمد سرورمتخلص به واصف پسر مو لو ی احمد جانخان الکوزی، ملاسعدالدین قاضی القضات ودوکتور عبدالغنی ومولو ی نجف علــی دانشمندا ن هندی سزاوار یاد کرد است ،پسان هاکانون تلاش های آزادیخوا هانه گردید وبسیار ی جنبش هــای سیاسی از آن جابر خاســت . درعهد امیر حبیب الله دربخش آبادی کشور کار هایی صور ت گر فت پل ها و جاده هایی ساخته شد .تلفون وموتر درهمان زمان به زنده گــی جامعه افغانی وارد گردید . امــور مراسلات تنظیم یافت و به تاسیس موسسات خیر یه تو جه گما شــته شـد، مثلا باری امیردربا غ ار گــک نمایشگاه آثار عکاسی خود را با ز کردو خواست که تماشا کننده گان از آن آثار بخرند و پو ل بد ست آمده در گشایشس یتیم خانه یی به مصر ف برسد .(۱)

در امور مملکت داری القا ب وعناوینی چو ن امین المکا تیــب ـ اشیك اقاسی ملکی اشیك اقاســی نظامی ،سرکردهٔ دارالعدا لت حضور ودیگر ، در اسناد مربوط بــــه آن دورهٔ به نظر میخورد اما اصــل آن است که تما م کارها ی ادارهٔ کشوردرکف اراده شخص امیر بود ،و ی خود یا گاهی با استشاره از مصاحبین ویاورا ن خویش تصمیــــم میگرفت .

درباز پسین سالهای نخســتین دههٔ امار ت امیر حبیب الله مولوی عبدالرو ف ملای حضور ( متو لــددر ۱۲٦۷ هـ. ق.ومتــو فــــی در

۱۳۳۳ ) که در دربار ضیاءالملةبود ودر آنوقت کتا بی هم به نا م ((کلما ت امیر البلادفی ترغیبالی الجهاد )) تالیف کردهبود (۲) پیشنهادی در یازده بند بهسردارعبدالقدوس اعتماد الدو له سپردو باآن امتیا ز نشر جریدهٔیی را بنام((سراج الاخبار افغانستان)) در خواست کرد. این اقدا م معنا ی‌گشو د ن ر ا ه پیگار آشکارا با پایگاه های استعمار در داخل وتلاش سپردن قدرت به دست قانون را داشت . جمعیت پیشس تاز((انجمن سرا ج الاخبار)) در سر مقاله نخستین شماره جر یده کهآخرین هم بود، هد ف ها ی‌خویش را چنین برشمرد :(( . . .. با یدفرزانگا ن داخلی علاقهٔ مملکت از اطوار و آراء اهل عالموبلندیایشاناز حضیض ضعف وپستی ووحشت وز یر دستی به او ج مر تبه نا زونعمت واقتدار و سلطنت وو سعت تدریجی منافع وممالك و رفعتروزافزو ن مداخل ومسالك در بحر و ک رهخا ك آگا هی یابند ... عز متکمیل قواعد تمد ن بشر ی و تحسین قوانین معیشه متو تزئینمصا حبت ومعاشر ت ایشا ن جزم گردد)). این هد ف ها د رنظرامیرزیا ن آور نیامد وبنابر آن به انجمن اجازه دادکه بهنشر جر یدهبپردازد .

روز پنجشنبه ۱۱ جوزا ی‌سا ل۱۹۰٦ م نخستین شمارهٔ جر یده چا پ شد و اما دریغ‌که از چا پ‌شماره های بعد ی جلو گیر ی کردند . ((سرا ج الاخبار افغا نستان)) ۱٦ صفحه داشت وقرار بود در هر پانزده روز نشرشوداعضا ی انجمن که نشر اخبار رابه عهده داشتند عبار ت بودند از :

۱ ـ مو لوی عبدالرو ف مد یروموسس .

۲ ـ مولو ی نجف علی نائبمدیر .

۳ ـ مولو ی محمد سروروا‌صف‌پسر احمد جا ن الکوزی محرر .

٤ ـ غلا م نقشبند خان حاجی‌باشی ترجما ن ترکی .

٥ ـ منشی حافظ حیدر علیخانمتمم .

٦ ـ عبدالرحما ن بیگ وعبدالرحیم بیگ تر جما نا نترکی.

۷ ـ میرزا غلا م قـادر خا ن ومیرزا محمد اسحا ق خان کا تبا ن کاپی نویسس .

۸ ـ قاری نیک‌محمد مصحح . باقطع نشر جریده اعضا ی((انجمن سراج الاخبار) دست از تلاشـــ‌نکشیدند و جمعیت مشرو طـــه خواها ن را که بنا م ((اخـــوان‌افغان)) یا دمـــی شدسا زمـــان بخشیدند و به کوششس هـــا ی‌پنهانی دست بردند . تکاپوی سه ساله مشرو طه خواها ن نما ینده‌گا ن دسته های مختلف اجتما عی ر ادر حلقه جمعیت کشاند‌تا آنکه‌درسا ل۱۹۰۹ م امر انحلال جمعیت داده شد واکثر اعضا ی برازنده‌آن‌زندانی شدند و تعدادی هم محکو م به عدا م گردیدند .

کسانیکه بعد از یکی دو سا ل‌از زندا ن رهاشدند وآنا نیکه‌اصلا به چنگك نیامده بودند با جوانانی‌تازه د م مبارزه را ادامه دادند. این دومین مرحله کارو یاتشکل مجدد((اخوان افغان)) در آثار شـــر ق شناسان شوروی به نا م(( جوانان‌افغان)) یاد شده‌است و من هـــم د رمقاله های خوداین اصطلاح رابه‌کـار برده ام . (۳)

با انتشار یافتن ((جر ید ه‌سراج‌الاخبار افغانیه))در سا ل ۱۹۱۱که امتیا ز نشر آنرا محمود طـــر زی(متولد در ۱۸۶۵و متو فـــی در ۱۹۳۳) از امیر حبیب الله حا صل‌کرد جمعیت ((اخوان افـــغا ن )) وسیله یی برای پخشس عقا ید خودبدست آورد مگر مبارزا ت مخفـــی همچنا ن ادامه داشت . جمعـــیت((اخوان افغان)) از حلقه هـــای ده نفر ی تشکیل شده بود که یـــك‌حلـــقـــه اعضای حلـــقه د یـــگر راخوب نمی شناخت .بنا به گفـــته‌میرسید قاسم خا ن که یکی‌ازچهره های درخشا ن جمعیت بود سر دارعبدالر حمن خان عضو هیئت‌مدیره حزب وراهبر یکی از حلقه ها ی‌ده‌نفری باعین الدو له شهزا ده‌امان‌ـ الله‌خا ن دوستی نزدیك داشت که‌به عقیده میرسید قاسم خان ،امان الله خان عضو حلقه سردار مذکور بوده‌اســـت .

در سا ل ۱۹۱۸ سوء قصدعلیه‌امیر حبیب الل ه، عبدالر حمن‌افغان

وشماری دیگر را به زندا ن برد.در آن جمله عبدالهادی پریشـــا ن
داوی نیز مد تی محبوس شد .به‌قول خود داوی در واقع بنا بـــر
نشر مخمس ((بدنبود))درســراج‌الاخبار امیر ازوی دل آزرده داشت
ویاد داشت داده‌بود که :((پریشان‌کیست گرفتار شود )) (٤)

در سا ل ۱۹۱۹ امیر حبیب الله‌درشکار گاه کله گوش به‌قتل‌رسید
وامارت به فر زند ش عین‌الدو له‌امان الله که‌در زما ن فوت پـــدر
نیابت اورا درکابل به عهده‌داشت‌انتقا ل یافت .

یاد داشت ها :

۱ ــ ((دارالیتاما))، ســـــرا ج الاخبار ، شماره ٤،ســا ل ۱ (۳۰ عقرب ۱۲۹۰) .

۲ ــ ((یك خساره تا سف آورعلمی...))، سرا ج الاخبار افغانیه، شمارهٔ ۲سا ل ٥(۲۰ سنبله۱۲۹٤)،ص ٦

۳ــ تا ثیر افـکار سید جمال الدین افغانی ، عرفان (فوق العاده)، ۳۱ ثور ۱۳٥٦

٤ ــ شر ح پنجاه سا ل زنده گی داوی ، به قلم داوی ، مربــــو ط کتابخانه شخصی موصو ف .

# اصلاحات سیاسی و اداری
# امیر امان‌الله

بر تخت نشستن امان الله بـه‌معنا ی به قدر ت رسید ن(اخـوان افغان) بود. مشرو طه خوا هـــان بلافاصله رها شدند واکثر شـــان به‌کار های مهم‌اداری‌مقرر گردیدند.تاج محمد بلو چ حاکم دولت آبا د مزارشریف مقرر شد . میر زمـان‌الدین وا لی کابل شد و قا ضـــی عبدالحق سلیما ن خیل را معلـــم‌مکتب حبیبیه مقرر نمودند و کاکا سید احمد در عهد امیر امان اللـه‌سه وظیفه رادر عین حا ل اجـراء میکرد :

آمریت مکاتب ابتدائیه ،تدریس‌در غند شا هی واستخبا رات‌وزارت حربیه ، مولو ی محمد حسن مدیرمکتب حبیبیه مقرر شد و مو لو ی عبدالواسع پسر مو لو ی‌عبدالروف‌ملای حضور ، بعداز چند ی رئیس انجمن مر که پشتو مقرر گردید .عبدالرحما ن افغا ن بعداز زنـدان مدتی امان افغان رانشر میکـرد وبعد عضو هیئت سیاسی درسفارت فوق العاده افغانستا ن در اتحـادشوروی وبعد عضو مجلس قا نون گذاری (قانون اساسی) شد و بـه‌حیث رئیس گمر ك کابل، رئیس بلدیه قند هار ، وسر منشی‌حضورنیز کار کردو مد تی هم رئیـــس

بلد یه کابل بود تا آنکه حبیب‌الله کلکانی اورا به زندان افگند و در سا ل ۱۹۳. کشته شد. سر دارعبدالرحما ن که پس از مدت کمی ا ززندا ن رها یی یافته بود درعهد امان‌الله چند ماهی نا ظر معا ر ف بود وسفیر افغانستا ن درهند شدو بعد معین اول وزار ت خار جه مقرر گردید . درسا ل ۱۳.۲ رئیس تنظیمه فراه شد که پس از سه سا ل ازآن وظیفه استعفاء نمود .غلا م محمد مصور را غر ض‌تحصیل به‌الما ن فرستادند و در باز گشت‌مدیر مکتب رسامی مقررشد و به پروفیسور غلا م محمد شهرت‌یافت‌ودرسا ل ۱۳.۷ از طر ف‌و کیل سلطنت نشا ن (ستور) به و ی‌اعطاء گردید .

عبدالهادی پریشا ن داو ی که‌رو ح پ رتلاش جمعیت(اخوان‌افغان) بود به سر محرری امان افغا ن‌مستشار ی وزار ت خارجه و نخستین وزار ت مختار افغا نی درلند ن ، وزار ت تجار ت وسفارت رسید ومعاو ن هیئا ت صلح‌میسوری بود و چو ن‌عضومهمترین هیئت های سیاسی افغا نستا ن بانماینده‌گا ن کشور های مختلف به مذاکره نشست . امیراما ن الله‌حصو ل استقلا ل افغانستا ن را شر ط اول پادشا هی خود قرا رداد و دریکی ازبیانیه هایش‌گفت: ((اول بر همه شمار عا یای‌صادقانه‌ملت نجیبه خود این را اعلان و بشارت مید هم که من تا ج‌سلطنت‌اسلامیه افغانیه رابه‌نا م استقلال و حا کمیت داخلی و خار جی‌افغانستا ن بسر نهاده ا م)) (۱) امیر اما ن الله بااین شعار براریکه‌اما رت تکیه کرد .

اعضای ((اخوا ن افغا ن)) درهرجا که بودند اراده های مرد م را بسیج کردند ودرهما ن سال۱۹۱۹آتش جنگ بر ضد استعما ر در تنگه خیبر شعله ور گردید .منا سبا ت دو لت های افغانستان وبرتانیه قطع شد و در کابل‌نخستین مظاهره در تا ریخ کشور براه افتاد . شاگردا ن مکتب‌حبیبیه‌ومکا تب شهر با صف های‌وسیع دکاندارا ن ، پیشه ورا ن و دیگراصنا ف مرد م شهر بافر یاد های ((مرده باد انگلیس)) ، و ((زنده‌باد افغانستا ن مستقل!)) از جا ده بزرگ مراد خانی که در آن‌منز ل‌سفیر انگلیس قرار داشت‌گذشتند

انگلیس ها سر دار عبدالرحمن سفیر افغانستا ن را از دهلی بـا افراد خانواده اش به پایگاه نظامی اشغالی دکه انتقا ل دادند و تمام اسناد سفار ت افغانی در دهلی واورا ق واسناد نماینده گا ن افغا ـ نستا ن رادر پشاور ضبط کردند ،مگر افغانستا ن بعمل مشا به دست نزد . انگلیس ها زیر فشا رآتش آزادی خواها ن باسفیر نظر بنـد افغانی توسط قو ماندانی خود دردکه با ب مذاکره را کشو دند .دولت افغانستا ن متار که را مشرو طه به آنکه دو لت برتانیه استقلال افغا ـ نستان رابه رسمیت بشنا سـد ،پذیرفت . ودراثر مکاتبه ها قراربر آن شد که تا امضا ی معا هـده رسمی باید سپاه افغانی بیست میل ازسرحد کشور عقب بروند . بـاوصف مخالفت ملیو ن جبـهه ، و قوماندانها ی محا ذ های قند هارو پکتیا، این شر ط عملی شدومتارکه به تاریخ سو م جــون ۱۹۱۹ اعلان گردید و بروز یکشنبه پانزده حمل (۲۰ مار چ ۱۹۲۰) محمــودطرزی ناظر خارجه وقت به حیث رئیس صلح و عبدالهادی دا و ی مامور سر حدا ت به حیث معاو ن و غلا م محمد خا ن ناظر تجار ت وپیرمحمد کرنیل ونر نجن داس و عبدالو ها ب طرزی باسه چهارنفردیگر عاز م میسور ی دیـره دو ن هندشدند تابا نما ینده گان برتانیه معاهده صلح را تنظیم وامضـا ء کنند .

این دومین هیئت صلح بــود.هیئت نخستین بریاست سـر دار علی احمد به راو لپند ی فر ستاده شد .د. رئیس هیئت بر تا نـو ی سر هملتن گرانت بود .دانشمـندمحتر م داوی در زنده گی نا مـه خود می نو یسند که درآغا ز من هم عضو هیئت مذکور بود م ،امابنابر مخالفت بانظر یا ت رئیس هیئـت از عضو یت استعفاء نـمود م. در نتیجه مذاکرا ت نخستین متار که تثبیت شد . اما استقلال افغانستان را حکو مت برتانیه بر سمیــت نشناخت . تلاش های هیئت دومین نیز ثمر نداد و تنها در سا ل دیگرهیئتی تحت ریاست سر هــنر ی دا بس سکرتر خا رجه هنــد، به افغانستا ن آمد و بعد ازمذا کرات نه ما هه معا هده ۱۹۲۱ امضا ء شد که به اساس آن برتانیه افغانستان ر اکشور مستقل شناخت .

مقار ن این‌ایا م در اروپامسئاله‌کنفرانس صلح و تجزیه امپرا ـ طوری اسلامی عثمانی مطر ح بـودودر کشور های مسلما ن موضوع سرنوشت خلا فت اسلامی ناآرامی‌های زیاد ی را در میان مرد م بـه وجود آورده بود .

در گذشته ،گا هیکه در جر یان‌نخستین جنگ جهانی بنابر جنگ ترکیه وایتا لیه وتر کیه وبالقا ن‌سوا ل اتحاد کشور های اسلا می در میا ن‌مسلمانا ن به گر می‌مطرح‌بحث قرار داشـ ت(( اخوا ن‌افغان)) و ((سرا ج الاخبار افغا نیه)) نقشن‌رهبر ی را به عهده داشتند و در این دوره نیز افغانسـتان آزاد درسر صف مبارزه به‌خا طر منا فـع کشور های مسلما ن که اکثر ستم‌استعمار رامی کشیدند پا فشاری میکرد و بدینصور ت طر ف‌احترام‌همه کشور های اسلامی قرارداشت امیر امان الله در مرا سم نخستین‌سا ل روز و فا ت پدر ش (۱۹دلو سـ ال ۱۲۹۸ــ۱۹۲۰م) ضمن‌بیانیه‌یی گفت :((دو ل ارو پایی‌خواهند خلافت اسلا م نباشد . هر چنـدامریکا رسما خود را از این میانه کشیده‌است و فرانسس هم اظها راختلاف میکند . مایقین کرده نمی توانیم که‌دو لت انگریز چنین اراده‌داشته باشد زیرا دوستی‌افغانستان را آرزو منداست ودوستی افغا ـنستا ن هر گز دراین صور ت‌ممکن نیست جا ی خوشیست که هندو‌ـستانی ها تما ما به شد ت برمساله خلافت ایستاده‌اند .))

ودر اخیر امیر شعا ر داد که !((امان الله برای داد ن جا ن‌خوددر راه اسلا م همیشه حا ضراست!))(۲)

حکو مت افغانستا ن‌برای‌پذیرش‌مهاجرین هند ی نظا منا مه یی در هشت فقره ترتیب نمود که بـــراسا س آن مها جـر ین‌می‌بایست حین ورود به افغانستا ن ازسرحدتذکره تابعیت اخذنمایند .

برای مرد مجرد با لغ اعـــطا ی‌ششس جریب زمین و برای ز ن‌دار هشت جریب وعده داده‌شده بودکه‌تارسید ن محصو ل به فی نفـــر کبیر پنج سیر ، پایینتر از ســـن‌بلو غ به فی نفر سه سیر آردجیره داده میشد . ووقت رسید ن‌حاصل‌جیره مذکور قطع میگردید .زمیـــن

های مهاجرین تاسه سال از مالیه معاف بود. هندوان مهاجرگاه میخواستند شامل کار های سیاسی شوند می بایست ازحکومت افغانستان دستور بگیرند وآنان حق داشتند مانند دیگر اتباع افغانستان به ملازمت دولت بپردازند تا ماه جولای ۱۹۲۰ سرطان ۱۲۹۹ - ۱۷۱ نفر مهاجر واردکابل گردیدند وشماره سی وشش سال اول امان افغان از ورودچهل هزار مهاجر به کابل خبرمی دهد . جبل السراج نخستین اقامت گاه مهاجرین تعیین شده بود.

درسال های بعد از ۱۹۱۹چندین پیمان بین کشور های اتحادشوروی ، ترکیه ، افغانستان وایران انعقاد یافت و بدینصورت شبکه یی ازپیمان ها در خاورمیانه بوجود آمد که وضع تمام این کشور ها را استوار ترساخت .

پیمان ترکیه و افغانستان ۱۹ فبروری ۱۹۲۱
شوروی وترکیه ۱۷ دسمبر ۱۹۲۵
ترکیه وایران ۲۲ اپریل ۱۹۲۶
شوروی وافغانستان ۳۱ اگست ۱۹۲۶
شوروی وایران اول اکتوبر ۱۹۲۷
ایران و افغانستان ۲۸ نومبر ۱۹۷۲ (۳)

وعلاوه بران حکومت امانی باسویس ، مصر و فنلیند و جمهوریت لیتوانی نیز روابطدوستی برقرار نمود و بنا بران با اطمینان بیشتر برنامه اصلاحات داخلی را به میدان عمل کشیده نخستین قانون اساسی را ساخت تشکیلات اداری را اصلاح کرد وبه تدوین نظامنامه ها اقدام نمود .طرحهای قانون را شورای دولت تدقیق میکرد و از طریق مجلس وزراء به صحه شاه میرسا ند و علاوه بران رسیده گی به بودجه دولت ومقاولات و معاهدات با کشور های خارج نیز ازوظایف شورای دولت بوده ، شورای دولت عبارت ازهمان مجلس اعیان زمان امیر حبیب الله بود که بعد

دارالشور ی نامیده میشد وپس‌درسا ل ۱۹۱۹ با تعویض نا م مجلس شورا ی خا ص نا میده‌شد وبعد ازان بنا م شورای‌دولت مسمی گردید . شورا ی دو لت‌شامل اعضا ی انتصابی دو لت واعضا ی انتخابی ملت به تناسب مساوی بود . درسا ل ۱۳۰۷ (۱۹۲۸) شورا ی دو لت به‌شورای‌ملی تبدیل شد و برای‌انتخا با ت‌و کلای شورای ملی قانون انتخا بات‌وضع شدکه درسومین لو یه جرگه توسط غلا م صدیق سر منشی به‌حضور و کلاقرا ئت‌شد(٤)در ولایات و حکو مت های درجه او ل ،دو م‌و سوم وعلاقداری هانیز مجا لس مشوره متشکل از اعضا ی طبیعی(مامور ین دو لت) واعضای‌برگزیده ملت به تعداد مساوی وجودداشت. وظیفه واختیارا ت شورای‌دو لت ومجالس مشوره و لایا ت توسط‌مواد سی و نه تا چهل‌و نه قانون اساسی و ((نظامنامه تشکیلا ت‌اساسیه)) مشخص شده بود .

در آغا ز این دوره دهسا له به‌تنظیم قوای اجرائیه توجه زیا دی شد . دوایر نظار ت (وزارت‌خا نه‌ها)به این تفصیل بوجود آمد :

۱ ـ دائره نظارت عد لیه ،ناظرعدلیه محمدابراهیم و مقرآن عین‌ـ العمارت بود وظائف نظار ت‌عدلیه‌چنین تعیین شده‌بود : ((همه دعوا هائیکه به محاکمات یعنی‌دعوا ی‌زن‌گرفتن وز ن دادن متعلق باشدوهمه دعوا هاییکه به ملك وما ل قر ض‌گرفتن وخرید و فروش وامثال آن متعلق‌باشند در این دائره مطلق به‌احکا م شر ع شریف فیصله میشود » .(٥)

۲ ـ دائره نظار ت حربیه ،ناظرحربیه صالح محمد سپهسا لاردرجه اول ، مقرآن قصر قو می باغ بودوهمه امور نظامی به آن نظار ت‌تعلق داشت .

۳ ـ دائره نظارت خار جه کـه ناظرآن محمود بیك طرزی و مقرآن بیت الشوری بود .

٤ ـ دائره نظارت معار ف ،ناظرآن عبدالحبیب و مقرآن شهرآرا ء بود .

۵ ـ دائره نظار ت مالیه، نا ظرآ ن‌میرزا محمود نائب سا لار ملکی ومقرآن با غ‌مهمانخانه بود.

٦ ـ دائره نظار ت تجـار ت ،ناظر غلا م محمد ومقرآن با غ‌مهمان خانه بود .

۷ ـ دائره نظارت نقــلیا ت ـ ناظر آن عبدالقادر ومقر آن‌اصطبل عامره بوده .

۸ ـ دائره نظارت‌زراعت نا ظرعلیجان ومقرآن محکمه سابقهٔ مراد خانی‌بود .

۹ ـ دائره صدارت عظمی ـ این‌دائره مرجع‌همه دوائر بدو ن دائره نظار ت حربیه بود که نظارت هــاموری را که از صلاحیت‌شان‌بالاتر بودبه اتفا ق صدراعظم به حضو رشاه پیشس میکردند و عهده مقا م صدار ت به سر دار عبدالقدو سـ‌اعتمادالدو له سپرده شده بود . در سا ل های بعد اساساً و ظیفـــه‌صدراعظم رانیز خود شاه ایفا عمی کرد. درماه میزان سال ۱۹۲۸ شاه‌درمحفل بزرگی که درآن ما مور ین لشکری وکشوری وشا گــر دا ن‌مکاتب دعوت شده‌بودند ،ازمسافرت خود در اروپا گزارش مفصلی ایرادکر دومرامها ی خود را دربارهٔآتیه مملکت تو ضیع نمود این تو ضیحات‌چهار رو ز ادامه یا فت .درروزچهارم حین صحبت بر موضو ع صدارت‌اعلا م داشت که برا ی‌وظیفـــه صدار ت اصلا شیراحمد خان‌رئیس‌شوری درنظر گرفته شده بود اما بنابه عشقیکه به خدمت و طـــن‌داشت خود عهده دار وظیفه‌صدارت نیز گردید . دیگران پذیر فتند اماعبدالرحما ن افغا ن مدیر گمر ك کابل آنرا تائید نکرد و گفت : امیر که خود را پادشاه انقلابی‌مینا مـد بهتراست در کار تشکیل اداره‌نیزانقلابی بیا ورد و رئیســ الوزراء را تعیین نماید . اما شاه‌نپذیرفت‌ودیگر حاضر ین نیز از ارادهٔ شــاه پیرو ی کرد ند .(٦)

امیر روز چهار شنبه ۱۸جوزای‌سا ل ۱۳۰۰ (۱۹۲۱ م) در مرا سم روز او ل عید ،در قصرسلطنتی ،دو دونسخه از نظا منا مه اساسیه تشکیل دولتی)) و ((نظامنامه تقسیم‌ولایات)) راکه ((بامداد فکر رسا و

مساعی جمیله خویش برای رفا هرعایا ی صدا قت کیشی ذات شاهانه خودساخته و طبع فرموده بود بــه وزراء و سفرا اهداء کرد. »(۷)
مطابق ((نظامنامه تقسیم ولایات)) افغانستا ن تقسیم می شد به ولایات ،حکو مت ها أ علی ، حکو مــــت های کلان ودرجه یك ،درجه دو م، ودر جه سو م وعلاقداری هـــا ودهکده ها .ولایا ت پنجگانه افغا ـ نستان عبار ت بود از کابل،قندهارهرات، ترکستان ، وولایت قطغن و بدخشان .درهما ن روز عید بــــه مناسبت چا پ وتوزیع نظا منا مه ها امیر سخنرانی گر م وپرازصمیمیت وتکاندهنده یی ایراد کرد وگفت : درسابق هرگاه حاکمی رامیپرسیدی که چرا فلان کاری راکرده است . پاسخ میداد که به خیالم چنیـــــن گذشته وباز خواست شده نمـــی توانست زیرا دستور العملی وجودنداشت ،اما حالا هیچ کار دار تــا سپهسالار صا حب که الحمد الله امروز بسیار صاحب اعتبار است یك شخص رابدو ن یك محا کمــه وحکم نظامنامه یك چوب زده و یا یك ساعت حبس کرده نمیتوا نــد حتی خود من بدون یك محاکمه یك چوب نخواهم زد ویك ساعت حبس نخواهم کرد. همه شما حر هستید آزاد هستید . بقاعده شریعت رفتارکرده مطابق امر آلهی آزادانه زنده گی کنید . (۸)
برای تنظیم قوهٔ قضائیه دو جلد کتا ب ((تمسك القضات اما نیه)) تدوین شد ونظا منامه های مربوط قضاوت ومحاکم اختیارا ت قضا ت استفاده جو وخود سر را محــدودساخت .
امان افغا ن مینویسد که :
((این تحدد اختیا را ت قضا ت وجلوگیر ی آنان از فعال مایشائی هگنامه یی در دما غ های آنان تولید نموده بعضی ملانماها را تحر یك نمودند که تعیین جزا قبل از وقوع وتعزیر بالمال که در نظامنـــا مه جزایی عمومی در ج است خلا فشر ع است . این تحریك تدریجاً کسب وسعت نموده و همان بودکه درسنه ۱۳۰۲ غایله سمت جنوبی را سبب گردید . ودرموقعیکه لو یــه جرگه دو م (سال ۱۳۰۳) انعـــقاد یافت ملانماها فرصت یافته بالغا ی تعیین جزاو تعزیربالما ل و عـفـو

مجر م باظهور آثار تو به و صلاح ازاو رای دادند ، ورای شان در جرگه صورت اکثر یت یافت چونکه اعضای جرگه دو م عمو ما واکثرا مرکب از مفت خورا ن ومتسلطین و متنفذین اعنی ... بود که نوعاً طالب اقتدار وقوهٔ ظلم اند....)) وچون حکو مت دریافت که از را ه استد لال نمی شو دوکلا را قانع ساخت تقا ضا هارا پذیر فت اما به زود ی نا امنی و مظالم درسراسر کشور تا آنجارسید که در جر گه سمت جنو بی تعیین جزاء واد خا ل بالما ل در نظامنامه جزاء را مرد م پذیرفتند و همان بود که در لو یه جرگه سو م (سا ل ۱۳۰۷) تما م مواد لغو شده به شمول آن دو ماده مورد تایید اکثر وکلا قرار گرفت و تصویب شد . واین تصویب بازنگ خطری بود برای قضا ت خود سرو همان بودکه ملا عبدالرحما ن بیگ توتی رئیس محکمه تمیز همراه پیر خود محمد صادق (حضرت شوربازار) باچند نفر از خانواده خود به سمت جنوبی رفته وآنجا بنا م دفاع از دین به فتنه انگیزی آ غا کرد ند .(۹)

در زمستا ن سا ل ۱۳۰۱ نخستین لویه جر گه درجلال آباد دایر شدو نخستین قانون اساسی افغانستان ((ظا منا مه اساسی دو لت علیه افغانستان)) در مجلس قرائت گردید وهشتصد و هفتاد و دو نفر نمایندهٔ مجلس آنراتایید و امضاء نمودند . نظا منامه مذکور بعدا در سا ل ۱۳۰۳ در دو مین لویه جرگه منعقدهٔ پغمان نیز قرائت شدوبدو ن تغییر وتعدیل تصویب شد .

قانون اساسی امانی تقا ضا ی مشروطه خواها ن رابر آورده نمی ساخت . آنا ن میخواستند که کابینه نزد مجلس شورا ی ملی مسوول باشد حا لانکه مادهٔ (بیست وپنج) قانون اساسی حکم میکرد که :((در افغانستا ن وظیفهٔ ادارهٔ حکو مت مفوض است به هیئات وزراء وادارهٔ مستقله درحین اجتماع هیئات وزراء ریاست مجلس را ذات ملوکا نه ایفا ء مینما یند ...» (۱۰) به این صور ت هیئات وزراء عملا تحت ریاست شخص شاه کارمی کرد وشاه طبق ماده (٦) قانون اسا سی از مسوولیت بری بود .

باوصف آنکه در قانو ن اساسی امانی آزادی فردی مادهٔ (۹) و

مصونیت آن از هرگونه تعرض ماده (۱۰) وماده (۱٦)و مصونیت مسکن ماده (۲۰) وغیره وعده داده‌شده بود شماری از مشروطه خواهان به آن با نا امیدی مـی‌نگریستند . کاکاسید احمدمبارز آتشین راه مشروطیت به رفقا یش‌میگفت :

((طرز حکومتی را که ما و شمامیخواستیم نشد . پس بیا یید که حکومت جمهوری را پیش‌بیند ا ز یم .»(۱۱)

قانون اساسی و شیوه حکومت‌اعلیحضرت امان الله در صفوف (اخوان افغان) انشعاب‌آورد وسازمان بدو بخش تقسیم‌شد . گروهی طرفدار یك پروگرام‌معتدل‌عصری وبز عم خود شان برابر با اوضاع آن روز افغانستان‌بودند که‌از جمله این اشخاص را میتوان نام‌برد :

۱ ـ میر سید قاسم (رئیس)
۲ ـ عبدالهادی پریشان داوی
۳ ـ عبدالحسین عزیز
٤ ـ عبدالجبار
٥ ـ فتح محمد
٦ ـ سید هاشم برادر میرسیدقاسم
۷ ـ سید غلام حیدر پسرمحمدسرور مشهور به شاه پاچا .
۸ ـ غلام محی‌الدین افغان
۹ ـ محمد ابراهیم چنداولی
۱۰ ـ مولوی صالح محمد
۱۱ ـ محمد سعید قندهاری
۱۲ ـ محب الله بوت دوزکابل
۱۳ ـ حاجی عبدالعزیز (لنگرزمین)
١٤ ـ فقیر محمد پنجشیری
۱٥ ـ غلام رضا رحمت مشهوربه‌ترجمان
۱٦ ـ غلام حیدر رحمانی
۱۷ ـ محمد بشیر ایوبی
۱۸ ـ فیض محمد ناصری

گروه دیگر هر چند ظاهراً شاهی‌مشروطه راتائید می‌کردند و لی در خفا طرفدار جمهور یت بودندوبعضی‌از آنان نظا م شاهی رابر ضد منافع اکثریت مرد م می شنا ختند واما برای کرسی ریاست جمهور ی به عقیدهٔ شا ن جز شخص‌امان اللـه‌شخصیت شایسته یافته نمی شد .
درجمله اعضای این گروه با ایـن نامها برمیخوریم :

۱ ـ عبدالرحمان لودین
۲ ـ میر غلا م محمد غبار
۳ ـ تاج‌محمد پغمانی
٤ ـ محمد انور بسمل
٥ ـ میرزامحمد سعید قندهاری
٦ ـ حافظ عبدالقیوم .
۷ ـ غلا م محی الدین شیر آرتی
۸ ـ سعدالدین
۹ ـ میرزا نوراحمد کابلی
۱۰ ـ فیض‌محمد بارو ت سازماشین خانه
۱۱ ـ میرزامحمد اسمعیل
۱۲ ـ غلا م جیلانی اعظمی
۱۳ ـ عبداللطیف کند کمشر .
۱٤ ـ سلطان محمد (هندومسلمان)
۱٥ ـ میرزا عبدالرحما ن کابلی

این اختلافا ت میان دو سکتـر (اخوان افغان) وقتی شدید شد که شورش های داخلی او ضا ع‌مملکت‌را نا آرا م ساخته بود و مشرو طه خواها ن هرگز فر صت نیافتندگامی‌بسوی حل اختلافات بردارند .
امیراما ن الله درسالها ی اخیر پادشاهی به‌تشکیل حزبی معتقدشده بودکه ازنو عی مساوا ت اقتصاد ی باحفظ اصو ل اسلامی در مملکـت طرفدار ی کند . ودر روز چهار م ارائه گزارش مسافر ت خو یش‌در اروپا وبیا ن مرامهای خود دربارهٔ آینده امور مملکت آرزوی خو یش

را در بارهٔ تشکیل حزب چنین بیان کرد: ((برای پیشبرد امور مملکت بهترین وسیله اساسی این است که اشخاصیکه مملکت را اداره میکنند بلکه سایر افراد ملت با هم هما هنگ باشند . واین مسئاله زما نی صور ت میگیرد که وحد ت فر قه‌یی بین عمو م افراد مملک ت پیدا شود لهذاباید که فرقه متحد برو ی کارآید ...»(۱۲)و بعد امیر ضمن توضیحا ت گفت که مرد م ما حین مریضی هاپنجهٔ آهنین رابر سینه‌می آویزند واین‌هما ن پنجه‌جوگیست که هندوهاآنرا تقدیس میکنند واسا س آن در فر هنگ‌ما و جود ندارد: به جا ی پنجه جو گی باید به‌اصول اسلامی توجه کرد . دین مقدس اسلا م انحصار سرمایه رابه چندنفر نمیخوا هد . دین ما طر فدارتوزیع سرمایه به شکل عادلانه آن استو خیرات وصد قا ت وزکوه تنها این‌معنی را دارد که‌سر مایه تقسیم‌شود ویکی سیرودیگر ی گرسنه نماند ودراخیر گفت : ((...نظامنامه این فرقه پیش شماست اما عر ض‌می‌کنم که‌ممکن است این فرقه وسعت پیدا کندوبااین نظامنامه‌اکتفاءنشود.البته وقتی که حز ب‌تشکیل شد در این قانون تغییرا ت رونما خوا هدشدو روز تشکیل حزب درآینده اعلان خوا هد شد ». (۱۳)

وامیر درسخنرانی خود حزب‌مذکور را (حزب استقلال وترقی ) نامید .

**یاد داشت ها :**

۱ ـ ((اشتهار پادشاهی)) ،امان‌افغان ،شمارهٔ اول سا ل او ل (۱۲ اپریل سا ل ۱۹۱۹).

۲ ـ امان افغان ،شماره یك سال‌او ل

۳ ـ جواهر لعل نهرو ، نگا هی‌به تاریخ جهان ،ترجمه‌محمودتفضلی، بخشس سو م ، انتشارا ت امیـــرکبیر ،ص ۱٦٦٤

٤ ـ همان اثر، هما ن صفحه

٥ ـ اصلاحات تشکیل دوایر ،امان‌افغان ،شماره ۳ سا ل او ل

٦ ـ یـ لك‌منظرهٔ شیرین ترقیا ت‌آتیهٔ وطن ،امان افغان ، شماره ٤۰ سال نهم (میزان سا ل ۱۳۰۷)

۷ ـ امان افغان ، شمارهٔ ۲سال۳ (جوزای ۱۳۰۰) ونظامنامه ها که از شمارهٔ پنج سال دو م امان افغان‌پیوسته به نشر رسیده است.

۸ ـ امان افغان،همان‌سال،همان‌شماره .

۹ ـ ((خیانت ملی)) ، امان‌افغان،سال نهم ،شماره ۳۷ ( ۱٦سنبله سال ۱۳۰۷)

۱۰ ـ نظامهٔ اساسی دو لت‌علیه‌افغانستا ن ،طلوع افــغان ، ۱۸ سرطان، سا ل ۱۳۰۲

۱۱ ـ به‌قو ل جناب عبدالهادی‌داوی .

۱۲ـ یك منظره شیرین ... امان‌افغان شماره ٤۰ سال ۹

۱۳ـ همانجا




# اصلاحات اجتماعی

حکو مت امانی به مسئاله‌و حدت‌ملی توجه جد ی‌داشت و تحقـــق یافتن آنرا بسته با پیکاربر ضـــدهر گو نه تبعیض .میدا نســـت. در بیا نـــات ا مـیر ا مان ا للـــه،تـــو جه بـه ز ند ه گی‌پرحرمان طبقات زیرستم کشور بیشتر دیده‌میشود. وی‌دریکی از سخنرانی ها یشس گفته‌بود: ((اگرشماملت‌درست‌غور کنید خواهید دانست‌که‌نظامات موجوده برای منفعت شخصی خان‌وملك وکدا م خاندان مخصو ص وحکو مت ومامورین وشهزاده هاودیگر اعزه نیست بلکه درتما م‌آنها رفاه وآبادی وآسوده حالی غر یب‌ترین وعاجز ترین طبقه ملت ما زیر نظرگرفته شده‌است .تاآنهاازز‌یران‌فشار و تکالیفیکه سابق از عـــهده سلطنت من عاجز بالای‌آن بیچارگا ن‌که صدا وندای شا ن بجایی‌رسیده نمی‌توانست بود کاملا مرفو ع‌گشته‌دست آنهاییکه چنگا ل های خونین خودرابجان وگوشت آن مظلو مین‌همواره فرو برده وخو ن شانرامی چوشیدندکوتاه شود !)) (۱)

تادورهٔ امانی هنود مقیم‌افغانستان‌از نگاه حقو ق اجتماعی محرو متر از دیگر مرد مان‌بود ند. با درك‌تمایل‌دولت بسوی تامین عدالت اجتماعی آنان عریضه یی به‌شاه تقد یم‌کردندکه‌حاوی این تقاضاها بود :

۱ ـ چون بعض اشخاص بعض‌هندوها را جبراً مسلمان می سازند امیداست دراین با ب امر فرمایندکه من بعد حکا م دقت کنند .

۲ ـ در معاملات دینی مثل‌میراث‌ونکا حاجازه داده شود که به قرار حکم (دهر م شاستر) خود مافیصله‌کنیم.

۳ ـ زنهای هندو از رفتن‌بـــه‌زیارت منع‌استنند . امیدکه مر حمت همایونی اجازه بدهد که آزادا نه‌به‌زیارت خود بروند .

٤ ـ عبادت خانه های ما اگـــرویران شوند اجازه مر حمت‌شودکه به قرارسابق آباد کرده‌بتوانیم.

٥ ـ اگر کدا م گاو از ما مردم‌مریض شود ما حسب مذهب خود آنرا ذبح نمیکنیم ـ بلکه میگذاریم‌که‌خود بمیرد .بعض مرد م دردهات این را ممر خود ساخته نمی‌گذارندکه سقط شود . امیداست که آنها تنبیه شوند تاهندوها به عـــذاب‌نباشند .

٦ ـ در خصو ص دستا ر ودر یشی قبل از این ممانعت هاموجود بوده چو ن قشقه تفریق‌هندو را ازمسلمان میکند امید است که این ممانعت معاف باشد .

۷ ـ امید است برای اهل‌هنوداجازه داده‌شود که درهر جا یـــی بخواهند زمین خریده بتوا نـنـــد

۸ ـ امیداست که محصو لا ت‌دفتری برابر مسلمانا ن گر فـــته وغیره از هندوان به قرار قوانیـــن‌شود.

۹ ـ وقتیکه یك زن مسلما ن‌می‌شود ب ه‌مرد اوهم تکلیف میکنندکه مسلمان شود. واگر مرد مسلما ن‌شود زن اورا هم مجبور میکنند که مسلمان شود. امیداست آن نفر ی‌تنبیه شوند تا چنین نکنند .

۱۰ ـ هرگاه هندو پسر ی که‌پدراوحیا ت باشد وبر ضا ی خـــود مسلمان شود نامبرده اختیار مـــال‌خود را دارد که به‌قرار ثبو ت‌همراه خود ببرد ! امیداس ت‌که ما ل پدرومادروغیره را مال اوگفـــــته به او ندهند که‌حق ندارد.

۱۱ ـ بعض هندو ها که مسلمان می‌شوند بنا حق دعوی میراث‌کرده ازبرادرا ن دیگرخود حق می طلبند. امید است حکا م دراین باب دقت

کنند که اضافه طلبی واضا فه گیری نکنند .

۱۲ ـ هر هندو یی که بخوا هدا زداخل افغانستا ن به خـــار جواز خارج به داخل رفت و آمد کند امیـد است آزادانه اجازه داده شود .

۱۳ ـ وقتیکه خانه یك هندورا دزد بزند امید است که مثل خانۀ مسلمان آنرا محاکم عدلیه تحقیـق کنند.

۱٤ ـ چون مدارس کلان برای کل اهل هنود دارالسلطنه کابل مقرر از طرف دولت شده است که هر کس از ما مرد م پسران خود را مقرر کند که تاعلم دینی خود راودیگر علم ها را درس گرفته صاحب علم شوند. این هم ازنوازش پادشاهست امید میکنیم که حکمی نباشد . هر گاه بعضی کسب پدری خود را بکـند مختار باشد)) .(۲)

ودر جواب تقاضا ها ی مذکـور فرمان پادشاه بااین متن صــادر گردید :

۱ ـ امراسد ت که هیچکســ ازهنود را مجبور به مسلما نی نکنند. واگر ثابت شد که درحق اوشاهدی ناحق کسی داده بود از شاهد مذکور مبلغ پنجصد روپیه جر م گر فــته سه سا ل حبس شود .

۲ ـ منظور است .

۳ ـ اجازه است آزادانه بهــر جاییکه میخواهند بروند .

٤ ـ اجازه است هر وقت د هر م سالهای شما و یران شود به قرار سابق آباد کنید .

٥ ـ امر اسد ت بعد از این کسی غرضدار نباشد وبگذارند که خود بمیرد . اگر کسی دراین با ب جبر کرده بود یکصد روپیه جر یمــه گرفته شود .

٦ ـ درست است . هر قســم دستار ودریشی که می پو شنــد بپوشند .

۷ ـ درست است هر هندو یی که از تبعۀ دو لت افغانستان است بهر جا که بخوا هد زمین خریده می تواند .

۸ ـ دربا ب محصو لات وغـیره‌برابرمسلمانان گرفته شود .

۹ ـ درست است اگر مرد یازن‌بر ضا ی خود مسلما ن شود شوهر باعیال اورا مجبور نکنند .

۱۰ ـ درست است باید کمـال‌دقت دراین باب اجراء شود که حق تلفی نشود وبا قربا ی او مضر ت‌نرسد .

۱۱ ـ اگر پدر وبرادر های اوفوت شده بود وبعدازآن یکی ازآنها مسلمان شود وما ل پدر تقسیم‌نشده‌باشد باصو ل ترکه شرعی با یـــد حصه اوگرفته شود . واگر پیش‌ازفوت شد ن پدر یکی ازپسر هایش مسلمان شده بود وبعداز آن پدرش‌مسلمان شده بود وبعداز آن پدرش فوت شد حق میرا ث را ندارد..

۱۲ ـ درست است حسب قواعدمرور تما ما آزادانه بیایند وبرو ند ودر داخل افغانستا ن دیوان نر نجنداس و کلانتر های‌هندو هـــا ضمانت وباخبری آنهارا بکنند .

۱۳ ـ امر است که تماماً مثـل‌حقوق مسلما نها مال ها و حقو ق هندو هارا محاکم سرکاری‌غمخواری‌کنند نه تنها دربا ب مال دزد ی‌بلکه درجمیع دعو ی ها حقو ق شان به‌عدالت ومساوا ت تحقیق کرده‌شود.

۱٤ ـ هیچ‌ترقی دنیا بدو ن علم‌نمیشود . اگر چه میدانم که بعداز چندسا ل شما پشیما ن خوا هیـدشد . بازهم چون خواهش‌شمادرین است بدون رضای شما در مکتـب‌های عسکر ی وملکی حکمی گر فته نمی‌شو ند .

علاوه برآن امتیازا ت ذیل‌ازطرف‌حکومت برای رعایا ی صادقانه‌دولت علیه افغانستا ن طایفه اهل هنو داز حضور معد لت نشور همایو نی احسان گردید :

۱ ـ قبل از این بعض خلعتها وانعاما ت نقدی‌برای هندوها ییکـه مسلما ن میشدند مقرر بود . دین‌مبین اسلا م بااینگونه اصو ل شایع

نشده ونخواهد شد ، بلکه فقطحقانیت وعدالت خودش موثراست ، لهذا بعداز این آنعامها ممنو ع قرارداده شد که بعد از این داده نخواهد شد تاموجب نفرت هندو ها نشود.

۲ ـ بعض اوقا ت در حین‌جنگ‌وجد ل وغیره آنهم ازطر ف جها ل برای هندو ها دشنا مهای خیلـــی‌کر یه که‌به مذهب شا ن هم دگـه میزند داده می‌شد . باید محا کـــم‌عدلیه ودوایر کوتوا لی چنانچه در حق مسلمانا ن این‌امر را دقت وممانعت میکند درحق هندو هاهم‌بشدت رسایل امتناعیه خود را استعما ل‌کنند وجریمه معین ازملامت گر فته شود .

۳ ـ الف : برای رفاهیت هندوهای تبعه افغانستا ن جزیه شا ن پوره نصف شده‌است کسا نیکـــه‌مبلغ شانزده روپیه پخته میدا دند هشت روپیه وکسانیکه هشت روپیه‌میدادند چهار روپیه واگرچهارروپیه میدادند حا لادو روپیه مقرر شد .

ب : اگر باقیا ت سنوا ت گذشته ازبابت جزیه بر خودهند و ها مانده است بخشیده شد . واگر بر عا مل‌وضابط اجاره دار باشد گرفته‌شود.

٤ ـ در جلال آباد ، غز نیـــن ،قند هار یك یك نفر از اهالی هندو درشورای حکومتی داخل شو نـــدچنانچه درکابل انتخا ب شده اند. به‌قرار احکا ما ت فوق جمیع‌نائب‌الحکو مه هاو حکا م معمو ل‌دارند .

**تحریر ۱۲ حمل ســـنه ۱۲۹۹هجری شمسی ـ امیر امان الله (۳)**

به اسا س ماده (۳)قانون‌اساسی‌ک ه‌چنین حکم میکرد :((پایتخـــت مملکت افغانستا ن شهر کابل‌است‌اهالی تما م مملکت افغا نســـتا ن بالمسا وی به نظر حکو مت هستندکه هیچ‌امتیاز ی اها لی شهر کابل نسبت بدیگر شهر ها و قصبا ت‌مملکت محروسه افغانیه ندارند.))

(٤) در مجالس مشوره و لا یا ت‌چون قندهار ،غزنی و جـــلال آباد انجمن معارف نماینده‌گا ن هندو ها پذیرفته شدند وسیستم برده گی

شکست و هفتصد وچندنفر کنیـزو غلا م تنهادر شهر کابل بامالکین خود ودا ع کردند مراسم مذهبـی‌هندو ها وتکیه گاه های پیـــروا ن مذهب اما میه آزاد شد و معا ش‌مستمر ی ونسبی محمد زایی ها و خانها وامتیازا ت دیگر منع قـــرار گرفت . برای زنا ن حق‌تحصیل و سهم گیری در فعالیت های اجتماعی‌داده‌شد ،نکـا حصغیروتعد د ازواج منع گردید، ومطابق ماده (۹)قانون‌اساسی آزادی و مصوون بود ن آن ازهرگونه مداخله و تعر ض محترم‌شمرده شد . اما در سا ل ۱۳۰۳در لویه جرگه دو م که اکثر و کـــلاملاکین وخانها ونماینده‌گا ن روحا‌ـ نیون متعصب بودند ،بعض‌اصلاحات‌اجتما عی تعدیل یافت وقطعنا مـــه نزده فقره یی تصو یب گردید کـه‌مطابق آن نکا ح صغیر جایزدانسته شد و فیصله گردید که ز ن‌با ید‌درخانه تحصیل کند ،نه در مدر سه و آزادی فردی راکه درقانو ن اساسی‌آمده بود چنین تفسیر کردند که‌فرد درامور شخصی میتواند آزاد باشد،نه در دین وسیاست .از دوا ج یك مرد رابا چهار زن جایز شمردند.اماوقتیکه امیر از سفر اروپا بازگشت لویه جرگه سو م رادایر کرد و درآن تلاش ورزید تامواضع از دست داده راباز تصر ف کند سرانجا م‌دوباره نکا ح صغیر ملغی شنا خته شد و سن ازدوا ج برای مــــردبیست‌و دو و برای ز ن هجده‌تعیین شد . رفع حجا ب را آزادگذاشتندواما تعدد ازوا ج به حال خود ماند

همچنا ن د رلو یه جر گه (۱۳۰۷(۱۹۲۸ م) القا ب گوناگو ن‌ما نـنـد جناب آقای اجل و غیره‌منـــع قرا رداده شد و فیصله گردیدکه‌مامورین دولت تنها بنا م ووظیفه رسمی‌شان‌وزیر رئیس و مدیر ، خطا ب‌شوند وبرا ی ابراز محبت واحترا م تنهاعلاوه کرد ن کلمه (عزیز م)بسنده است مثلا: (عزیز م وزیر داخله) وشخص شاه گاهیکه برنامه اصلاحی خود رابه تایید وکلای لویه جر گه‌سو م می‌رساند در این مورد چنین گفت : ((این را منا سب میدا نم که‌درتما م افغانستان تنها به لفظ‌عزیزم

مثلا عزیز م عبدالعزیز و عــزیز م‌احمد اکتفاء کرده شود . وبا قبی القا ب زیاد رسمی اگر برای مــن‌نوشته میکنید من جوا ب نخوا هم داد . من قطعاً نمیخوا هم بــرا ی‌من فدا وتصدق پادشاه جــم دستگاه یاشهر یار قد ر قــدر ت‌نوشته شود . اگر پادشاه عزیز م نو شته شود وا لله بسیار خو شــ‌میشو م ...)) (۵) پوشید ن‌لبا س ها ی رسمی گوناگو ن که هرکدا م‌برای محفلی اختصا ص دا شت‌منع شد و برای لشکر ی لبا س رنگــ‌خاکی بارو ب وسر شانه وکمربندو برای ماءمور ین ملکی سیاه سا ده‌تعیین گرد ید . تما م نشا نهابه‌جز نشا ن استقلا ل حربی ملغی‌شناخته‌شد ..(٦)

چنانکه دیــده میشود در دورهٔ‌حکو مت امانی بر ضد هر گو نــه تبعیض ودلا لتها ی کهتر و مهتــر درمیا ن مرد م با پافشار ی وایمان محکم مبارزه شد و تلاش صور ت‌گرفت تااز طریق تحکیم مسا وا ت اجتما عی یك پارچگی ملی‌میسرشده‌واقوام وقبایل مختلف افغا نستان دست دوستی بهم بد هند وبرا ی‌حفظ آزادی وبه‌خا طر خر می وآبادی کشورشان کار کنند .

امیر امان الله به اهمیت اتفا ق‌ملت بخوبی پی برده بودو هر گز نمی توانست بدون هیجان در باره‌آن سخن بگوید . درسا ل ۱۳۰٤ که به قند هار سفر کرد در مسجــدخرقه مبار ك روز هفتم عقر ب‌حین ایراد خطبه نماز جمعه در بارهٔ‌اتفاق‌ملت به تفصیل بحث کرد و درجایی چنین گفت: هر کسی که در افغا نستان زنده‌گی میکند بدون‌استثنا افغان گفته میشود. پس درا نــی‌وغلجایی واچکزا یی واو پره چــه معنی دارد ؟ وبه‌کار بردن‌کلمه‌اوپره‌را برای اقوا م وقبایلی‌که گویایی‌نام ونشان اندو افراد سر بــر آورده‌ندارند تحقیر ناجایز دانست وجدا منع‌کرد وهمه این اختــلافات رابهترین سلاح بدست دشمنا ن‌و طن شمرد . وگفت : ((...ودشمنا ن ماازاین خصو م ت‌درمیان ما چقــدر

عظمت یافته‌اند. آه مارا بدست خودما ازما جدا کردند .تکه‌تکه نمودند پارچه‌پارچه ساختند و تما م قوا ی‌مارا میان خودمابه تحلیل رساندند. (دراینجا اشک های امیر جاری می‌شود)) . (۷)

باهمه دشواری هاییکه سر راه‌بود روشنفکرا ن سهیم درحکو مت امانی وشخص شاه دربرنامه ها ی‌اصلاحی حکومت برای حقوق زنان فصل خاصی را عنوان کـــردند .نخستین بار زنان درکـــار ادارۀ مملکت بامردان شریك شدند .مثلا: اداره مکتب مستورات را شخصــ ملکه ثریا وعده‌یی از زنان‌روشنفکر به عهده گرفتند که‌در فصل آموزش وپرورش ازآن به تفصیل سخـــن‌خواهیم گفت ومدیریت شفا خا نه مستورا ت واطفال رامدتی اخت ـالسراج خانم محمد یونس دختــر امیر عبدالرحما ن و عمۀاعلیحضرت‌امان‌الله به‌عهده داشت. بعد ازآنکه او مریض شد سردار بیگم همشیره‌عزیزالله مدیر عمو می نفو س‌بحیث مدیرۀ شفاخانه مقررشد .

**یاد داشت ها :**

۱ ـ ((خطابهٔ ایرادیهٔ ذات اقدس ملوکانه)) ، طلوع افغان ، شماره های ۳۵و ۳۶،سا ل ٦( ده دلوسال ۱۳.٤)

۲ ـ امان افغان ، شماره ۸سال‌اول ، (.۳ ثورسال ۱۲۹۹ مطابـق .۲ می .۱۹۲)

۳ ـ امان‌افغان ،شمارهٔ ۸،سال‌او ل (.۳ ثور ۱۲۹۹ مطابق .۲ می .۱۹۲)

٤ ـ امان افغان ، سا ل۹،شماره ۳٤

٥ ـ ((لویه‌جرگـه)) ، نو روز ،سال اول ،شمارهٔ ٤

٦ ـ مقالهٔ ((لویه جرگه))درهمان‌جریده ،همان شماره .

۷ـ«عیناً خطبهٔ ا علیحضـــر ت‌معظم غازی به جامع خرقهٔ نبوی)) ، طلو ع افغان، شماره ۱۹ ســا ل ٥(۱۹ عقرب سا ل ۱۳.٤).

# آموزش و پرورش

گسترش چشمگیر زمینه آموزش از خصو صیا ت مبر م ایــن دوره دهساله است . مبارزا ن ((اخوان افغان)) که کار های عمــده را در دستگاه دولتی به دوش دا شتند به تعمیم دانش در مملکت ار جفراوان می نهادند وبر قرار شدن مناسبات خردمندانه رابین افراد جامعه یکی از عوامل اساسی تر قی کشور مــی پنداشتند و شخص اعلیحضــر ت امان الله عشق بیکرانی به تعلیم وتربیت فرزندا ن مملکت و تعمیــم سواد بین مرد م داشت . چنا نکه دریکی ازبیانیه های خویشس گفــته بود: ((... من هر قدر درباب تر قی وبهبودی شما ملت تفکر نموده ا م بدون راه علم دیگر راه نیافته ا م وپایه اول علم مکتب است .. چو ن چنین است نیك بدانید که بخیر شما بوده وشما را براه مستقیم ما یــل ساخته میخواهم باکمال سو یه ،ازعالم باخبر شوید ، ترقی کنیدتاکی درین مغاك جهل بوده ازعالم بی خبر وازعلم محرو م باشید)) (۱)

در ایندوره دلبستگی حکو مت رابه معار ف تا حدزیادی پشتیبا نی مرد م نیز همراهی میکرد .

چنانکه در ستارهٔ افغا نمیخوانیم:((..از همه مقد متر حاکم ریــزه کوهستان وپنجشیر عا لیجاه محمدامانخان، رعایا ی مستقلهٔ خود ش را

به فوائد معار ف آگاه ساخت ،چنانچه مردم کو هی هفده صدرو پیه آغانۀسا لانه برای بنای مکتبی درریزه کوهستا ن متقبل شدند .چون وجه مذکور کافی نمی آمد سا لانه‌سه‌هزار روپیه دیگر اعلیحضـــرت همایونی منظور فرمودند . ازیك‌ونیم‌سال است که مکتب مذکور مسمابه مکتب عزت قایم وشصت نفر بچه‌هادرآن مشغول تحصیل میبا شند.بعد ازآن مرد م پنجشیر برای تاسیس‌مکتب فی‌یك روپیه (ده پیســـه) در ما لیا ت خودا فزودند که مکتبی‌به‌نام((اخوت))در رخۀ پنجشیر بنیادشد حالت تعلیمی آن‌مانند مکتب عز ت‌اسد ت.(۲)

مـــر د م ســمـت جنو بی‌هفتــا د و پنــج هز ا ر افغانی باچهار صد نفر معلم برای‌تاسیس‌چهار مکتب در خوست و چمکنی و زرمت وگردیز دادند . تاجـــران‌قندهار برای تاسیس یك‌با ب‌مکتب دوازده هزار روپیه به محصـــــول‌تجارتی خود افزودند (۳) و درسال ۱۲۹۹ که ملکه ثریا در یك مجـمع‌زنان درباره ارزش علم و معار ف و پیشرفت زنان جهان وعقب‌مانده‌گی‌زنان افغانستا ن سخنرانی‌کردپنجاه نفرزن در کار تاسیس او لین‌مکتب‌دختران وخدمت معار ف داوطلبا نه اظهار آماده‌گی کردند . وخود ملکه‌پذیرفت که به حیث مفتش مکتـب مستورات کار کند . مردم جمال‌آغه‌وپنجشیر وغیره باتقاضا دو لت را واداشتند تاهرچه زودتر برای شان‌مکتب تاسیس کند .

اینها همه گواهی هاییست بـه‌علاقه مرد م افغانستا ن به تعلیم و تربیه فرزندا ن شان که‌در آئینـــه‌جراید آن دوره انعکاس یافته است. مصار ف معار ف قبل ازسال ۱۹۱۹؛شصت و هشت هزار روپیه کابلی بود. درسا ل ۱۹.۲ به پانزده لـك‌روپیه رسید ودرسا ل ۱۹۲۸ قرار اظهار اعلیحضر ت امان الـــله درسومین لویه جرگه مصار ف تعلیم وتربیه به شصت لك وهشتادوهشت‌هزار روپیه می رسید که ازجمله‌پنج لك وچهل هزار افغانی آنرااملت‌بنام‌مصار ف معارف می پرداخت‌وبا قی بدوش دولت‌بود .(٤)

بعداز آنکه براساس ((نظامنا مه‌تشکیلا ت اساسیه افغانســـتان)) وظایف نظارت معار ف مشخص شدنظار ت معار ف درهما ن سال.۱۹۲

پیشنهاد ذیل را به حضور شـــاه‌تقدیم نموده منظور ی حاصل‌کرد .
۱ ـ تاسیس مکتب عالی برا ی‌تنظیم امور شرقیه که نصاب آن‌نیز ساخته شده‌است .

۲ ـ تاسیس یك مکتب صنا یع‌نفیسه . هرچند قبلا چنان مکتبـی درپغمان تاسیس شده بود که‌اموزآن توسط اداره مکتب حربیه تنظیم میشد مگر چندا ن پیشرفتی نکرد

۳ ـ افتتا ح یك مکتب السنه

٤ ـ تشکیل وزارت معارف :

ـ ناظر معارف

ـ مدیر عمومی دونفر ، یکـــی‌مخصو ص تعلیم‌ودیگر ی بـــرای محاسبا ت.

ـ مفتشین مضامین و نصـــا ب‌مکاتب .

ـ مستشار نظارت معارف .

ناظر ومستشار همه و قـــت ازداخل مملکت واز افراد و طـــنی میباشند .

۵ ـ انعقاد یك مجلس علمی ازاربا ب فضل ودانش وعلمـــاء در دائره نظارت معار ف که بریا ست‌ناظر معار ف درهفته یکبار دائـــر شود ودربارهٔ ترقیا ت معار ف‌تدوین‌نظامنامه هاو پروگرا مهای صنو ف‌و تاسیس مکاتب جدید غور و تعمق‌نمایند .

٦ ـ تشکیل انجمن معار ف به‌شمو ل اعیا ن مملکت ونظاروافسران بزرگ که سالی یکی دو بار جلسه‌کند وراپور ها وسالنا مه های‌معارف راسنجیده و ملاحظه و معاینه‌درجات‌ترقی معار ف رادر وطن معـــلو م نماید.)) (۵)

بنای انجمن معار ف قبل از سال ۱۹۱۹ گذاشته شده بود که پلانهای ارزشمند ی طر ح کرد اما اکثر آن‌پلانها عملی نشد ونزدیك های‌سال ۱۹۱۹ مسئاله تعلیم و تربیه‌درحاشیه برنامه کار دولت قرار داشـــت و مخصوصا بعداز آن وقت که مکتب‌کانون فعالیت مشروطه خوا هـا ن شد در بار ازان دل خو ش‌نداشت.

انجمن علمیه درسا ل ۱۹۲۰دائرشد . اعضا ی آنرا ناظرمعارف تعیین نموده به‌تایید شاه رسانده بــود .رئیس انجمن خود ناظر معار ف بود ودیگر اعضا ذوات ذیل بودند :

۱ ـ جناب سردار محمد عزیــز ایشك اقاسی خارجه
۲ ـ شیراحمد ایشك اقا ســی نظامی سابق .
۳ ـ حسن حلمی افندی .
٤ ـ مولو ی غلا م‌محی الد ین‌سرشته دار دارالمعلمین .
٥ ـ داکتر عبدالغنی
٦ ـ محمد اسحق معاو ن‌نظار ت‌امور خارجه
۷ ـ کرنیل عبدالطیف خان .
۸ ـ علی محمد کامیا ب صنــف‌عالیهٔ تهیه.
۹ ـ میرسید قاسم قائم مقــا م‌مدیر و مشیر رئیس انجمن .
۱۰ ـ قاضی محمد غو ث
۱۱ ـ میر محمد صدیق معلــم‌مضمو ن مخفف نویسی فارسی
۱۲ ـ قاری عبدالله
۱۳ ـ ملا آقابابا
۱٤ ـ غلا م محمد رسا م

در سا ل ۱۲۹۸ وزار ت معار ف‌نشر مجل ه‌ماهانه ( معر ف‌معارف) را آغا ز کرد ودرهمان سا ل‌نشان‌معار ف قلم و کتا ب و شمشــیر تعیین شد .

یاد آور می شویم که جمعــیت(اخوان افغان) در جلسه های‌سر ی به کتا ب و قلم و شمشیر سو گند یاد میکردند و تعیین شکل نشا ن‌به آنصور ت گویا قدر شناسی بود ازجانبازی های آن فرزندان فدا کار افغانستا ن که‌به سر باور های‌پا ك جانهایشا ن را گذاشتند و آنانیکه هنوز در کار آباد ی افغا نستا ن‌متر قی عر ق می ریختند . نظار ت معار ف تا سا ل ۱۹۲۰ به‌تهیه‌نظا منا مه ها و پلانهای اصلاحی‌مصروف بودوازآن سا ل به بعد مکاتــب‌متعدد ی‌درحو مه کابل ودیگرو لایات کشور تشکیل گردید . بین سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۱ به تعداد بیست‌ودو با ب مکتب ابتدا یی درنوا حی‌اطراف کابل افتتا ح‌شد .

تعلیم در مکتب مدار ج سه‌گا نه‌داشت : ابتداییه ، رشد یه واعدادیه دو ر ه ابتد ا ییه پنجسا ل بود.دوره‌رشد ید سه‌سا ل‌ودوره‌اعدادیه‌نیزسه سال بود . بعد از ختم دوره اعدایه به‌نا م صنف تهیه یکسا ل دیگرنیز امکا ن تحصیل وجود داشت. شا گرد بعداز ختم اعداد یه اگر مـــی خواست در صنف تهیه به تحصیل ریاضیا ت یا فلسفه واد ب مـــی پرداخت وسا ل تهیه گویا سا ل‌فراگرفتن تخصص شمرده‌م یشد .

سا ل تعلیمی ده مابود .شاگردان‌روز پنجشنبه ‌م‌ر خص بـودندوروز دوشنبه تانیم روز درس میخواندندوروز جمعه مانند دیگر روزها بدرس حاضر می‌شدند .

درپایتخت علاوه بر لیسه حبیبیه‌که‌وجود داشت لیسه امانی در سال ۱۳.٤ ومکتب رشد یه غازی‌درسال۱۳.٦ورشد یه امانیه (استقلال) در سا ل ۱۳.۱ تاسیس شد .همچنان‌مکاتب تلگرا ف ،رسامی ، نجاری ، السنه ،زراعت ، مکتب‌پولیســـس ،موزیك، مکتب طبیه ،موسسه قالین بافی ، مکتب مسا حت وکور سهای‌شیشه سازی وسمنت سازی وغیره دایر گردید .

در دیگر ولایا ت رشد یه‌جلال‌آبادرشدیده کند هار ، رشدیه هرا ت، دارالمعلمین هرات، رشدیه مـــزارشریف ، رشدیه قطغن وبد خشا ن درهمین ده سا ل تاسیس شد .

بنا برگزارش وزار ت معار ف درلویه جرگه سا ل ۱۳.۷ تاآنو قـت تعداد مکاتب ابتدایی در همه نقا طافغانستا ن به ۳۲۲ باب و تـــعداد مکاتب عالی درمرکز وولایا ت‌بشمول‌امانی وامانیه به ۲۲ باب میرسید . از مکاتب ابتدا یی ۸۲۳ نفـــرفارغ‌التحصیل شده بودند و یکصدو یك نفر رابرای تحصیل به‌خارج‌فرستاده‌بودند که‌از جمله هفده نفر بعـداز ختم موفقانه تحصیل به وطن با زگشتند .

تعداد معلمین مکاتب قبل از سه‌سال نزده هزار نفربود که تاسال ۱۹۲۸ به پنجاه ویك هزارنفررسید.ششصدوپنجاه نفر معلم در مکا تب ابتد ا یی و صد نفر در مکا تب‌عا لی‌تازه مقرر شدند (٦)

ازرّو ی اعداد وارقا می که ذکرشد ، میتوان به‌سرعت رشد تعلیم

وتربیه وافزایشس مکاتب به آسانی‌پی‌برد. اولین مکتب قضا ت درسال ۱۲۹۹ گاهیکه محمد سلیما نوزیرمعا رف بود درکابل باز شد. نصاب تعلیمی آن مطابق پروگرا م مما لك‌اسلامی، مصر ، عرا ق وعربستا ن سعودی ترتیب شده‌بود .مضامینیکه‌تدریس میشد عبار ت بود ازتما م علو م اسلامی‌وشر قی به ویژه‌عقایددینیا ت، فقه، اصول ، منطق،فلسفه ،تصوف ، صر ف ونحو ،تاریخ ،جغرافیه ،ریاضی ،هندسه واردو . دوره آموزش آن دوازده سا ل بود.شاگردا ن شب رانیز درخوابگا ه مکتب سپری مینمو دند .تــمـا م‌مصار ف را دولت می پرداخت .در سا ل ۱۳.۲ مکتب مذکور تو سعـه‌یافت ونامش نیز دارالعلو م عر بی گذاشته شد .

امور تدریسی مکاتب‌امانی‌وامانیه‌را مدیران جرمنی و فرانسوی‌اداره میکردند . درامانیه زبان فرانسوی‌ودر امانی زبان المانی تدریس مـی شد . دراین دومکتب ازهرشاگردماهوار شش رو پیه فیس مـی گرفتند که‌در مقابل ، خورا ك‌ولباس‌همشکل به‌شاگردان میدادند .

در مکتب السنه که در سـا ل۱۳.۷ تاسیس شد زبانـها ی انگلیسی ، روسی، المانی‌وفرانسوی‌آموخته میشد . درس از سا عت پنج‌ونیم آغا ز می‌یافت‌و دوسا عت‌طو ل‌می کشید .حق التعلیم ماه پنج افغانی بود وشاگردان‌وسایل‌آموزش‌را از وزارت معار ف میخریدند .

درسا ل ..۱۳ (۱۹۲۱ م) نخستین‌بار در تاریخ مملکت زمینهٔ‌تحصیل به شکل عصر ی ورسمی برای‌زنان‌افغانستان فراهم گشت و مکتـب مستورا ت تاسیس گردید .نصاب‌تعلیمی مکتب مذکور با مضا میـن مانند پخت وپز ، دوخت وبافت ،اداره منز ل وتربیه طفل وتاریـخ زنان نامور جهان و مسایل دینـی‌بیشتر موردنیاز زنا ن ازنصـا ب تعلیمی مکاتب پسرا ن فر ق می‌شد. کتب درسی مخصو ص برای ایـن مکتب تالیف وچا پ شد. درمکتب‌مستورا ت در آغاز زنان تدریس‌می کردند وبعد درسا ل ۱۳.٦ که‌مکتب‌وسعت بیشتر یافت مردان سـا ل خورده نیز به معلمی مکتب‌مستورا ت‌گماشته شدند وازهما ن سـا ل تدریس لسا ن خارجه هم داخـل‌برنامه گردید . تاسا ل های اخیـر

این دوره ده ساله مکاتب دختران عبارت بود از سه باب مکتب ابتدایی ویك باب مکتب رشدی .

در اوایل سال ۱۳۰۷ خوردسالان مکتب مستورات به صنف های اول ودوم مکتب رشدیهٔ امانیه شامل شدند و نخستین باردر تاریخ کشور دختران وپسران پهلوی هم بر چوکی آموزش نشستند .

درهمان سال تعلیمات دختران تا رشدیه چهارم بلند رفت وتعدادی ازآنان برای تحصیلات بلند تر به ترکیه فرستاده شدند .

مفکوره فرستادن شاگردان به خارج درسال ۱۳۳۱ هـ. ق که سردار عنایت الله معین السلطنه آمریت مکتب حبیبیه رابه عهده گرفت و انجمن معارف تشکیل شد توسط انجمن مذکور پیشنهاد گردید ، بدینصورت که بعد از صنوف ابتدایی چهار ساله رشدیه واعدادیه دوشعبه شود وفارغان یك شعبه به کار های دولتی گماشته شوندو از شعبه دیگر برای آموزش بیشتر به خارج کشور بروند ـ اما مانند دیگر پلانهای انجمن این پلان نیز عملی نشد .

در اوایل سال ۱۳۰۰ هـ.ش (۱۹۲۱ م) اعلیحضرت امان الله منظور فرمود که سه صد نفرمتعلم به خارج فرستاده شوند . از جمله صد نفر به اروپا بروند ودو صد نفر درهند بمانند که ازآن جمله نیز صد نفر برای تحصیلات اروپا درهند آماده شوند و صد دیگر تحصیلات خود رادر هند به پایان برسانند . برای مراقبت متعلمین مذکور مفتشین تعیین شده بودندکه برایشان بنام ((وظایف اتالیق و هدایت برای طلبا)) دستور العمل ساخته بودند .

درهمان سال متجاوز از ۳۵ نفرتحت نظر سردار محمد عزیزبفرانسه فرستاده شدند و تعدادی دیگرتحت راهنمایی سید محمد هاشم به آلمان اعزام شدند وباز درسال ۱۳۰۱ هـ. ش (۱۹۲۲ م) شماری شاگردان

خورد سا ل را به‌خار ج فرستادند.

درسا ل ۱۳.٦ دوره اعدادیه که‌بنابر رفتن شاگردا ن به‌خار ج‌منحل شده بود باردو م ایجاد گردید و تاپایان های عهد امانی تااعداد یه دوم رسیده بود .

برای تما م مکاتب افغـــانستا ن‌حتی بروی نیاز مندیهای خا صـــ مکاتب ذکور وانا ث‌درهرمضمـو ن‌کتب درسی تالیف یاترجمه میشد . دارالتالیف وزار ت معار ف که قبل‌از این دوره بنا م بیت‌العلو م‌حبیبیه تاسیس شده‌بود موازی باگسترش‌دامنهٔ مکاتب- کتا ب تهیه میکرد- مثلا تنها درسا ل ۱۳.۷- (۱۹۲۸)۲۷ جلد کتاب جدید برای مکاتـب مختلف تهیه شد بدین تفصیـــــل:

کتاب حقوق واداره و مقد مـــــه‌حقوق وقواعد که توسط کمال‌عاطف بیگ برای صنوف‌رشدیه‌ملکی‌تالیف‌شده بود. حقو ق جزاء وکتا ب‌فن مالی ومعلو ما ت‌مالیه راجوادبیگ‌برای رشدیهٔ ملکی تالیف کـــرد . حقوق تجار ت را آقای صفـوی وکتا ب علم تربیه راهاشم شا یـــق برای رشدیهٔ ملکی تالیف نمـــود .جغرافیه افغانستا ن رامحمد علـــی برای رشدیهٔ چهار م تالیف کرد.ودو جلد فزیك برای رشدیهٔ سو م ورشدیه چهار م توسط عبدالسـتار تالیف شد . وفزیك برای صنـوف سو م اعداد ی توسط آقای‌شـــیوا تالیف گردید وزیاده بر آن آقـا ی شیوا برای صنو ف سو م اعـدادی‌کتا ب درسی کیمیانیز تالیف کرد. محمد علم معلم برای صنو ف دو م‌اعدادی کتا ب تاریخ تالیف نمود وُ سیدعلی اختر برای مکتب‌متو سطه‌اعدادی کتا ب نباتا ت رانوشت .و همچنا ن سید علی اختر کتـــا ب‌معرفت الارض را برای تدریس در مکتب متوسطه اعدادی تالیف‌کرد .محمد اشر ف کتابهای جبر وهندسه را برای‌سا ل اول اعدادی تا لیـــف‌نمود . وارتقای اصو ل تربیه توسط محمد ابراهیم معلم نظر یا ت‌مکتـب‌تلگرا ف ترجمه شدوکتا ب نظـــم ونسق تعلیم جاپان را آقای محمـــد‌حسین رئیس تدریسا ت تر جمـه

کرد . کتا ب صنایع بودایی راآقای صفوی برای موزیم ترجمه نمود .و کتاب های حصه او ل هدایا ت رسم کرد ن ازبرای مناظر طـــبیعی، در تمهیدات راجع به صفت اشیا وتر کیب آمیزش رنگ ودرخصو صــــن رسم کرد ن ـ حصه دو م ودرخصوص رسم کرد ن ـ حصه سو م وفن رسم کرد ن مناظر به ذریعه واتر کـــلر ((رنگ آبی))، هدایات رنگ کردن شبیه انسا ن وهدایا ت فن رســـم کرد ن یعنی رنگ با آب آمیختـــه توسط عبدالصمد برای مکتب رســم ترجمه وکتا ب تمد ن جدید راادیب خان رئیس مکتبین ترجمه کرد . ازکتا ب های مذکور بعضی درهما ن سال ها چا پ شد و بعضی قراربودچا پ شود .(۷)

در این دوره رشد تالیف وترجمه کتب دری باافزا یش تعداد مکاتب همگا م بود. بین سالها ی ۱۳۰۳ و۱۳۰۷ دارالتالیف وزار ت معار ف ۱۳۳ جلد کتاب تالیف یاترجمه کرد. وجهت آسا ن تربر آورده شد ن این مامول وزار ت معارف مطبعه یی را بکار انداخت که به تهیه موادچاپی آن وزار ت اختصا ص داشت . دراین ده سا ل فضای آموزش آزاد واز هرگو نه اختنا ق وفشار سیاسی پاك بود .

ودانشس آموزا ن ازهرگـــو نه تشویق مرد م و حکو مت برخوردار بودند . شاه شخصاً عشق سرشاربه تعلیم وتربیه داشت . قصرشاهـــی ((شهرآراء)) رابه معار ف بخشیدوخود همیشس از مکاتب و وضــــع امتحانها ودروس باخبر بودودربعض امتحا نها اشتراك می ورزند حکومت اما نــــــی در کا ر گستر شں تعلیم وتربیه، هیچ گوشهٔ دور یـــا نزد یك کشور را فرا مو ش نکرد. به تاریخ ۱٦ اسد ۱۲۹۹ مکتب راستی در جلال آباد بنایافت ودر ۲٦ حوت سا ل ..۱۳ مکتب ذکاوت در بامیان با ز شد .(۸)و همچا ن که مکتـــب دانشس رادر چهل ستون نزدیـــك کابل گشودند مکتب معر فـــت درتاشقرغان تاسیس گردید .درسا ل ..۱۳ میرزا علیرضا مکتوب نویس سابق دربار وبعد ها معروف به منشی علی رضا شاعر نامدار میمنه شعری به اتفا ق اسلا م هرا ت فرستاد که از تاسیس مکتب در میمنه خبرمیدهد درآن شعر تصریح میکند که نخستین مدیر نخستین مکتب احمد قلی بوده است :

احمد قلی آنکه مدیراست به‌مکتب در میمنه بانیست باظهار معا رف
جهدش که‌شودجهل‌زمرد م‌همه‌دانش شوقش که‌شود بیشتر افکارمعار ف
ازشکرفزونست چـــگویم چه نویسم تاخوردو کلا ن گشته‌خریدار معارف
درمیمنه طاوس هنربال فشان شـــد گردیدرضابلبل گلزار معار ف (۹)

در این دوره تعدادی از اعضا ی(اخوان افغان) که آقا ی عبدالهاد ی داوی ، مولو ی غلا م محی الدیـن‌ومحمد ابراهیم چند او لی و غیره درشمار شا ن بودند بااهدای‌کتاب‌های شخصی خود بنا ی کتابخانه ملی را گذاشتند . ازجمله مثلا آقای‌داوی یك صدو پنجاه جلد کتا ب‌از کتا ب خانه پدرش رادر اختیارکتاب‌خانه ملی گذاشت .وشاه از ایـــن اقدا م طر فدار ی‌کرد و کتابخا نه‌غنی نائب السلطنه را با نسخ خطی نفیس آن‌به کتابخانه ملی‌بخشید.

در این دوره دهساله به سوادآموزی بزرگ سا لان نیز تو جـه کافی بعمل آمد . تاسا ل۱۹۲۷برای‌سواد آموز ی از طرز کاکا استفاده می‌شد .

کاکاسید احمد فرزند فیض‌محمدلودین بن ملانصو ح‌پسر ســـر دار کهندل خان درسا ل ۱۲۷۱ هجر ی‌قمری درقندهار تولد یافته‌بود. وی تحصیلات ابتدایی خود رادرقندهارتما م کرد وبه مکتب حر بیه که در زما ن امیرشیر علی در بالا حصاردائر شده‌بود شامل شد .در دورهٔ تحصیل اکثردر امتحان هاییکـه درحضور امیر اخذ میشد به درجه‌اول کامیا ب میگردید . کاکا چندروز ی‌از محضر درس سیدجمال الد یـن افغانی نیز بهره ور شد .بعدازدوره‌مکتب مدت کوتاهی در خدمت نظام بودکه بزودی آنرا تر ك گفته بـــه‌قندهار رفت ودرپایا ن پادشا هـی امیر شیرعلی دوباره به کابل آمد .درآغاز امار ت عبدالرحما ن بزندان افتاد که تاختم پادشا هی امیـــــرموصوف در زندان بود . در عهـد امیر حبیب الله منتظم مدرسه‌حبیبیه‌مقرر شدودرسازما ن مشرو طـــه خواهان به فعالیت سیاسی پرداخت‌ورئیس یکی از حلقه هابود.درسال ۱۹.۹ زندانی شد وتاسا ل ۱۹۱۹در زندا ن بود . در آغازحکو مـــت امانی از زندا ن رها گردید . وی‌دراین دوره از اعتماد واحترا م فراوان

حکومت ومرد م برخور داربــود .مولفات کاکا عبار ت است از :
١ ـ ضیاء الحساب (چاپ‌نشده)
٢ ـ شر ح صر ف ونحو عربی به‌دری
٣ ـ کلید خزائن قرآنی ـبهترین‌اصول فهرست قرآن مجید که‌ازروی یك فهرست‌دیگر آسانتر و مفصلترساخته‌شده‌است .
٤ ـ مجموعه اصو ل متداو له ومقاله او ل ودو م اقلیدس‌باشکال وتصحیحا ت به‌دری وپشتو .
٥ ـ منتخبات کاکا درچهل‌صفحه‌مجموعه نکا ت تازه واشعار وشاه فرد های گزیده .
٦ ـ صر ف ونحو پشتو .
٧ ـ زنده‌گی نامه کاکابه قلــم‌خودش که‌تاسی سالگی اورا در بر میگیرد.
٨ ـ کتا ب طرز کاکا یا طــرزجدید .
(طرز کاکارا) کاکا سید احمد درزندا ن نوشت وبه وسیله یی به‌هند فرستاد و درآنجا چا پ شد .
در آغاز جلوس اعلیحضــــر ت‌امان الله کاکا از زندا ن رها یــــی یافت‌و ((طرز)) اودر تما م مکا تب‌مورد استفاده قرار گرفت وزیاده‌بر آن مکتب سواد آموز ی در کا بـل گشایش یافت که اداره آنرابه‌کاکا سپردند وطرز کاکا درآن تدریس‌میشد .
سواد آموزی عساکر نیــز با((طرز)) مذکور صور ت میگرفت . به اساس طرز کاکا درچهــل روزشخصی میتوانست بخواند و بنو یسد وکاکاخود در پایان عمرش‌ادعامیکرد که دوازده هزارنفر را بـــا استفاده ازطرز خود خواننده ساخته‌است (١٠) کاکا سیداحــمد روز یکشنبه ١٤ حوت ســا ل ١٣٤٦هجری قمری (١٣٠٦) در هفتادوپنج سالگی در کابل وفا ت یافت .انیس‌دربارهٔ وی نوشت : ((.. عجبتر از همه اینکه سی‌و پنج سا ل ازعمـرشان درمحبس بنا م مشروطیــت

گذشت وازآن ذواتیکه قربان‌مشرو-طیت گردیده‌اند بود که خوبتر ین ایا م سعاد ت‌شــــا ن در دوران‌اعلیحضرت غازی بوده‌است)) (۱۱)
شیوه دیگر ی که برای سوادآموزی به‌کار میرفت (اصول صوتی غاز ی) یا (اصول صوتی امانی) نا م‌داشت‌مطابق آن شخصی ناخوان درحالیکه روز دوسا عت درس میخواند در.۲ساعت خواننده میشد اصو ل‌مذکور را اعلیحضر ت امان الله درسـا ل۱۳۲۷ هـ ایجاد کرد و خودشـ در هما ن سال هر شب در مسجد شاه‌دوشمشیره رفته تعدادی نا خوا ن را مطابق اصو ل مذکور درس مـی‌دادو دراخیر امتحانی گرفت ومعلو م شد که بعد از بیست سا عت‌درس‌ازروی (اصول صوتی) شخصی می تواند کلما ت رابخــواند . (۱۱)سپس از اصو ل مذکور برای‌سواد آموزی عساکر کار گرفتند و نتایج‌سودمندی حاصل شد .

**یاد داشت ها:**

۱ ـ ((ماحصل بیان اعلیحضر تغازی)) ، طلو عافغان ، شمارهٔ ۱۷، سا ل ٥ (۱۲ عقرب ۱۳.٤)، ص ۳

۱ ـ ((مکتوب ازنظار ت جلیلـهمعار ف )) ، ستارهٔ افغان ، شمارهٔ دهم ،چهار شنبه ۱۳ دلـــو ۱۲۹۹سال او ل

۲ ـ ((حواد ث داخلیه ))، طلوعافغان ، شمارهٔیك، سال اول .

۳ ـ ((افتتاح با ب دو متر قیاتافغانستا ن ، یادورهٔسو مین لو یه جرگه)) ،امان افغا ن ،سا ل، نهم،شمارهٔ ۳۳ (۱٦ سنبلهٔ ۱۳.۷)

٤ ـ ((اصلاحات)) ، امان افغان،سال اول ، شمارهٔ ۱۲ (۱۷ جـو ن سا ل ۱۹۲.)

٥ ـ امان افغان ، ســـــال ۹،شمارهٔ ۳٤

٦ ـ ((تالیفات مهم)) ، امانافغانسا ل ۹، شمارهٔ ٦( ۲۹ حمل۱۳.۷)

۷ ـ اتحادمشر قی، سر مــقالهٔمدیر وسر محرر ،شمارهٔ ۱۹، (۱٥ ثور سا ل ۱۳.٦) .

۸ ـ ((مکتوب از میمنه))، اتفا قاسلا م، سال ۲، شماره ۲۸ (۸حوت ۱۳..) ،ص ۱

۹ ـ ((کاکا سید احمد))، انیس،شماره ۲٥ سا ل ۲، ((مرگ کاکا سیداحمد ))امان افغان ، سا ل ۹،شمارهٔ ٤۹

۱. ـ ((خواننده شد ن نا خواندربیست سا عت یا صوتیامانی)) ، انیس ،سا ل اول، شمارهٔ ۱۳

۱۱ ـ امان افغان ، ســـــال ۹،شمارهٔ ۳۳

# رشد وسایل مفاهمهٔ جمعی

((ما ملت افغانی نیز در این دوره نهضت امانیه حق داریم غرض اصلاح امور ملی وکشور ی خودآزادانه بگوییم عمل صادق وکاذب را از هم سوا کنیم. امروزملت افغانی دراین عصر امانی آزادانه امر مقدس ((مسیح امور اجتما عی ملت افغان)) رادر گوش دارند که در روز ودا ع فرمودند :

ای ملت غیور افغان ـ زیراستبداد نروید غیر قانون دیگر حکم راقبول نکنید !)) (۱) این عبارات ازسر مقاله انیس گرفته شده ونویسنده آن رحمان و بگمان غالب همان عبدالر حمان افغان مبارز آتشین و عضو دلیر اخوان افغان است. اساس آزادی مطبوعات که محمود طرزی در شرایط دشوا ربه خاطر ش نفس میسوخت در این دوره به استواری گذا شته شد وتوسط مادهٔ یازدهم قا نو ن اساسی به تایید رسید . جرا ید و مجله ها باامانت داری و دقت تمام کوشش های حکومت رابسوداصلاحات منعکس میساختند وآراء وعقاید مردم رادرپهلوی آن مینهادند. وبدین صور ت تفاهمی که بین مرد م و حلقه ها ی ادار ی بو جودمی آمد از سویی دولت راکمک میکرد تا قدمهای بعدی را استوار تر بنهد واز سو ی دیگر مردم رادرفهم بهتر برنا مه ها ی اصلاحی یاری مینمود. گذشته

ازآن مجله‌هاو جراید براشتبا هات‌موسسا ت ودوایر آزادانه‌انگشت میگذاشتند وکمك میکردند تانظا م‌نامه هادقیق ترعملی شوند وراه‌خود سری هاوبی بندوباریهای آمـرا ن‌دوایربسته‌شود ودرمسایل خار جی نیز جراید ومجله هاوظیفه خود راپیروزمندانه به سرمی رساندند .
همان بودکه باوصف عمر کوتاه‌روزنامه نگاری درافغانستا ن این‌پدیدهٔ مهم‌فرهنگی توانست کرسی شایسته‌خودرابدست‌آورد ودر لویه جر گه سا ل ۱۳۰۷(۱۹۲۸م) کـــه رشوه‌ستانی یکی ازعوامل عمده بی‌سرو سامانی کارهاونارضا مندی مرد م‌شناخته شد پیکار با آنرا بدوشـــ مجله هاوجراید گذاشتند و این‌فساداجتماعی رابدست آزاد مطبـوعا ت سپردند وفیصله کردند که‌کسانیکه‌بدادن رشو ت مجبور می‌شونـد از ولایات قریب الی‌یك ماه وازبعیدالی‌دوماه به‌حکو مت بنویسند و(( باید زبان جراید باندازه‌ییکه شورای‌ملی‌تصویب کند آزاد باشد. اگر چه در قانون موجوده هم آنقدر سخت‌نیست‌ولی‌شورای‌ملی قانون را دیده آزادی جراید راتوسعه بدهد تاجر ایدبتوانند اشخا ص خوب‌وبد رامعرفی وخوبی وبدی شانرا بیان نمایند))(۲)
نکته دیگر قابل توجه در ایـــن‌دوره فزونی تعداد جراید و مجلـه هاست.
حکومت امانی بافهم تاثیرمطبوعات‌در تنویر ذهن مردم ورشد آگاهـی سیاسی واجتماعی شان وعملی‌شدن‌پلانهای اصلاحی دولت به شکـــل بهتر ـ درشرایط ناتوانی‌مالی‌وپایین‌بودن سطح ذهنی مردم سر ما یـه هنگفتی راصرف کردوبیست‌و سه‌جر ید هٔو مجله و روزنا مه در ایـن دوره دهساله اشاعه یافت.امان‌افغان: از ۲۲حمل سال ۱۹۹۸ مطـــابق ۱۲ اپریل ۱۹۱۹ به‌نشرات آغـــازکرد. درآغاز مدیروسر محررآن‌آقای عبدالهادی داوی بود ودر هرپانزده‌روزنشر میشد. هدف‌نشرامان‌افغان در نخستین شمارهٔ آن‌درچهار نکته‌چنین خلاصه شده‌بود:
۱ ـ در وطن وابنای‌وطن‌شو ق‌تحصیل علم وفن پیداکـردن و از بیداری لازمهٔ عصر حاضر آگا هی‌دادن .
۲ ـ افکارآزادی‌را آزادانه‌اشاعت‌نمودن.

۳ ـ هیئات موجودهٔ محترم دولت متبوعه مقدسه خود را (بنابر آزادی دوستی و آزادی خواهیش) احترام و اطاعت صمیمانه وحتی الامکان اعانت صادقانه نمودن.

٤ ـ بیطرفانه ابنای وطن را آشنای سیاست دنیا خصوصاً عالم اسلام ساختن.

اتحاد مشرقی : در ماه حوت سال ۱۲۹۸ (۱۹۲۰ م) در جلال آباد به نشرات پرداخت. نخستین مدیر مسئول آن برهان الدین کشککی بود وهفته دو بار نشر میشد.

غازی یا الغازی: در ماه میزان سال ۱۳۰۰ (۱۹۲۱ م) درخوست ولایت پکتیا به نشرات آغاز کرد. جریدهٔ هفته گی بود وآقای عبدالله به حیث مدیر وسر محرر آن کار میکرد.

مجله معرف معارف : در اول سنبله ۱۲۹۸ ازطرف وزارت معارف درکابل نشر شد. این مجله ماهانه به مدیریت مسوول محمد حسین بیشتر مطالب مخصوص تعلیم وتربیه چاپ میکرد.

مجله مجموعه عسکریه : نخستین نشریهٔ مخصوص چاپ موضوعات نظامی بود که درسال ۱۳۰۰ (۱۹۲۱ م) به مدیریت عبدالطیب خان (رئیس دائره ارکان حربیه) به نشرات پرداخت وماهوار ازطرف وزارت حربیه چاپ میشد.

مجله مجموعه صحیه : نخستین شماره آن دراول قوس ۱۳۰٦ (۱۹۲۷ م) از طرف مدیریت مستقله طبیه به چاپ رسید و درسال ۱۳۰۷ نشر آن متوقف گردید.

جریده اتفاق اسلام : به تاریخ اول سنبله ۱۲۹۹ (۱۹۲۰ م) در هرات تاسیس شد مدیر این جریده هفتگی عبدالله قانع هروی بود. در سال ۱۳۰۱ بنام ((فریاد)) چاپ میشد وباز در چهارم ثور ۱۳۰۸ (۱۹۲۸ م) دوباره بنام اتفاق اسلام ظاهر شد.

ستاره افغان : این جریده در نهم قوس سال ۱۲۹۹ در جبل السراج به نشرات آغاز کرد که هر چهار شنبه چاپ می شد و سر محرر آن میر غلام محمد الحسینی و زبان مقالاتش ساده بود.

روزنامه افغان : این نخستین‌روزنامه افغانستا ن روز دوشنبه ۱٤ سرطان سا ل ۱۲۹۹ در کابل بـــه‌نشرا ت پرداخت محرران‌محمدجعفر بودو مطالب به‌هر دوزبان پشتـــودری درآن چاپ میشد وبه همین‌نا م مجله یی‌هم به قطع جیبی به چا پ‌میرسید .

طلو ع افغان : د رســـــال ۱۳۰۰هجری‌شمسی به مدیریت مو لو ی صالح محمد هوتك كه مدیرمعار ف‌قندهار نیز بودبه نشرات آغازكردو هفته‌یك بار بروزهای چهار شنبـه‌چاپ‌میشد .

ا تحاد اسلام: این جر یده‌هفتگی بتاریخ او ل حـــــوت سال ۱۳۰۰ (۱۹ فبروری ۱۹۲۲ م) در شهــــرمزار شریف (مرکز و لایت‌ترکستان آنوقت) اساس گذاری شد. دو هفته‌بعداز آغاز سال سو م (۱۵ حـــوت ۱۳۰۳ شمسی) بنا م بیدار ظا هـرشدودرسا ل ۱۳۰۷ ـ سال شورش ((بچه‌سقو)) بنا م رهبر اسلا م‌چاپ‌میشد ودرسا ل بعد دوباره بنـــا م بیدار چاپ‌شد .

ابلا غ : روزنامه دیواری ابلا غ‌درسا ل ۱۳۰۰ به‌نشر آغاز کرد این روزنامه یك‌روز در میان یك‌رو یـه‌چا پ میشد ودرجایهای مزد حم‌شهر برای استفاده عمو م بردیوار هــــاچسپانده میشد.

ارشادالنسوان : نخستین شماره‌جریدۀ هفتگی ارشادالنسوا ن درماه حمل سال ۱۳۰۰ هجری شمسی‌چاپ‌شد. مدیر جریده خانم اسماءرسمیه معروف به (بی‌بی‌عربی)همسرمحمودطرزی وسر محرر آن روح افـــزا معرو ف به منشیه دختر محمدزمان‌خا زن‌الکتب وخواهر حبیب الــلـه طرزی بود.

حقیقت : نخستین شماره‌روزنامه‌حقیقت بروز چهار شنبه ۲۲ بر ج اسد سا ل ۱۳۰۳ شمسی (۱۹۲٤ م)در کابل چاپ‌شد .این‌روزنامه هفته سه بار به نگارنده‌گی برهان الد ین‌کشککی‌نشر میشد و همزما ن بـا شو رش ملای‌لنگ‌بوجود آمدوبیشترحواد ث مربو ط به شورش مذکور راتشریح و تفسیر میکرد و مرد م‌راباجریا ن اصیل حوادث آشنا می ساخت .عمر روزنامه مذکوریك‌سال‌بودوشماره یکصدوچهل آن(و(داعیه حقیقت)) یاد شده‌است‌که شمـــاره‌نهایی‌بود .

ثروت : جریده ثروت نخستین‌باردر او ل ماه‌قو س سا ل۱۳۰۳هجری شمسی (۱۹۲٤) به نگارند گـــی‌صلاح‌الدین سلجوق ی‌درکابل چا پ شد . جریده مذکور درهشت صفحه‌درهر پانزده روز نشرمیشد وهدف آن راهنما یی‌مرد م بود در حـــل‌مشکلات اقتصادی وجلب توجه‌شان به‌اهمیت‌استقلال اقتصادی کشور.

آئینه عرفان : مجله معر ف‌معارف‌در سا ل ۱۳۰۱ (۱۹۲۲ م) دیگـــر نشر نشد وبعد از دوسا ل به‌جا ی‌آن درجوزا ی ۱۳۱۳ (۱۹۲٤ م) از طر ف وزار ت معارف آئینه‌عر فان‌به‌نشرا ت آغازکرد.

آئینه عرفان ماهی یک‌بار چا پ‌می‌شد وبنا بر مشکلات طبع بازمتوقف شد . درسا ل ۱۳۰۵ تنها برای سه‌ماه نشر شدو درسا ل ۱۳۱۰ به‌همان نا م قبلی ((آئینه عرفان))ازنواشاعه‌یافت.

پشتون ژ غ : مجله ماهانه‌پشتون‌ژغ درسا ل ۱۳۰۷ (۱۹۲۸) نشرشد وبیشس ازیک شماره چاپ‌نشد .

جریدهٔ مکتب : این جریده درسال۱۳۰۸( ۱۹۲۹) از طرف مکتب امانیه به‌نگارگی جلال‌الدین متعلم مکتـــب‌مذکور ازچاپ برآمد .جر ید هٔمذکور در آغاز در مطبعه انیس چاپ میشدوازشماره ۱۵ به بعد ظاهراً نسـبت مشکلات طبع ونبودن مطبع موقتا به‌تعویق افتادکه دیگر ادامه‌نیافت.

انیس : ماده یازدهـم نخستیـن‌قانون اساسی افغانستا ن به‌اها لی تبعه کشور حق‌نشر جریده راقا یل‌شده‌بود وبه اساس آن‌محی الد ین انیس یکی ازجوانان دل آگاه وبایما ن وطن به‌سر مایه تنی چند از دوستانش نشر جریده انیس راآغاز کردکه دراو ل ماهی دو بار و سراز آغاز سال دو م هر هفته‌چاپ‌میشد . ودرهما ن آغازشعار((جریده ملی آزادو خاد م‌نهضت))در صفحه‌اول آن نقش شد.

انیس دوره دهساله حکو مــت‌امانی رادوره نهضـــت مینما میدو جنبندگی عمو می‌اصلاحی راکه‌درتمام‌وجوه زنده‌گی راه‌یافته بود ودرمرکز تطبیق پلانهای آن شخص امیرقرارداشت بنا م روحیه امانی میشناخت وپیوسته پذیرفته شد ن ((رو حیه‌امانی)) رادر میا ن اقشار وطبقا ت مختلف مردم بررسی وارزیا بی می‌کرد وبه این صور ت می‌کوشید تا

صفو ف مرد م رابرای تحقق‌یافتن‌آرمانهای اصلاحی حکو مت‌فشرده‌تر سازد وبرای آبادی وتر قی کشورنیروی یك پارچه واستواری‌ازرعیت وحکومت بوجود بیاورد .

نسیم سحر : این جریده نیز به‌سرمایه شخصی در ۷ دلو سا ل ۱۳۰۶ (۲۷ جنوری (۱۹۲۲۸ م) درکابل چاپ شد. صا حب امتیاز و نگارنده آن احمد راتب بود نسیم‌سحر هر هفته یك‌بار نشر میشـــد وتنها پانزده شماره آن‌انتشاریافت.این‌جریده بادرنظر داشت ما هیـت طبقاتی جامعه افغانی تلاش میکردتادر کسالم طبقاتی ازمسایل‌اقتصادی واجتماعی در روشنفکرواهل سوادایجاد کند واصلاحات جاری را نیز ازهمین دیدگاه انتقادمیکرد.

در بارهٔنسیم سحر مقا له‌یی بـه‌امضای ح متعلمه مستورات درجریده امان افغان چاپ‌شده‌بودکـــه در آن‌گفته شده‌بود افسوس که نسـیم سحر به واسطه تندی مقا لات‌مسلسل‌خودکه میخواست بزرگتر ین علـل درماندگی ماراتشریح کند سقـوط‌کرد ... (۳)

نوروز : جریده پانزده روزه‌نوروزدرسا ل ۱۳۰۷ به‌نشرات آغاز کرد مد یر مسئوو ل آ ن محمد نورو زونگا ر ند هٔ آ ن میر زا میر غلام‌بود .

رادیو : درسا ل ۱۳۰٤ دودستگاه‌نشراتی رادیو خریداری شد و در سا ل ۱۳۰۷ یکی‌از آنها درکابل‌نصب‌شد ودر نظر بودکه دستگاه دیگردر قندهار به‌کار افتد . وزارت‌داخلـه‌وقت در راپور کارهایش که درلویه جرگه سا ل ۱۳۰۷ خوانده شـــــدتاسیس اداره رادیو رادر کابل و کندهار ازکار های انجا م یافـــته‌شمرده‌بود .

دستگاه کابل که‌باقوه دو هزارو لت و به طو ل مو ج ۳٦۰ متـــر کارمیکرد تاقندهار شنیده میشد .پیشس ازآنکه دستگاه کابل به کار آغاز نماید سی پایه رادیوی‌بتری‌داردر اختیار مرد م گذاشته شد که در اواخر سا ل ۱۳۰۷ تعداد آن به‌هزارپایه رسید .

کار نصب دستگاه قند هـار راحبیب‌الله کلکانی مانع‌شد .

پخشس برنامه های رادیو سا عت‌پنج عصر آغاز میبافت وهر روزخبر های‌داخل ی‌وخارجی ،یك مقـــالهٔا جتما عی و چند پا ر چه مو سیقی پخش میگرد ید .

**یاد داشت‌ها :**

۱ ـ ((ازچاره های‌ترقـــی‌ما)) ،انیس شماره هشت ، سا ل دو م

۲ ـ ((افتتاح باب دو م‌ترقیا ت‌افغا نستا ن ، اما ن ا فـغـــا ن ، شمارهٔ ۳٦، ســـــال ۹ (۳۰ سنبله۱۳۰۷)

۳ ـ پست شهری چه میگوید ،امان افغان، سال ۹، شمارهٔ ۲۰

# ادبیات و دیگر هنرها

> ((... بی پرده حرف زده به صراحت تکرار میکنیم که اینچنین شاعری و سعر خوانی و موهوم بافی دراین دور تطور وعروج ما به قدر دانه خردل قیمتی ندارد...» (ازمقاله صبور پغمانی منتشره انیس شماره ۹ سال (۲)

دراین دوره بنابرآنکه مناسبات سرمایداری درکشور به آهستگی رشد می‌یافت وپیکار بانظام فئودالی که‌هنوز پابرجا بود هم در عرصه ایدئولوژیك و هم درعرصهٔ فرهنگی‌جریان داشت ،در مرزاد بیات تمایلات مترقی به‌کرسی می نشست .بورژوازی ملی و ملاکین که‌با بازار داخلی بستگی داشتند چون نیروهای تازه دم اجتماعی مواضع‌خود را مستحکم میکردند و حکومت(اخوان افغان) که‌نماینده منافع‌آنان بود قدرت‌رابدست‌داشت.بورژوازی‌ملی به پاخاسته که‌به انکشاف نیرو های تولیدی نیازمند بودبه‌کادرهای‌ملی ضرورت داشت . از این‌سبب حکومت‌باتلاش خستگی ناپذیر تعلیم‌وتربیه راگسترش میداد و بی دریغ مکتب افتتاح‌میکرد که در فصل(آموزش وپرورش) به تفصیل‌بیان کردیم . همچنان دربرابر ادبیات‌نیز وظایف جدیدی گذاشته شد .

حفظ آزادی بدست آمده، رشدصنایع‌ملی، وتعمیم معار ف، شعله ورنگاه داشتن آتش عشق وطن درسینه‌هر افغان، متحد ساختن قبایل واقوا م مختلف‌با شنده افغانستا ن.زموضوعا ت اساسی ادبیا ت بود واماتنها شعر اونویسنده‌گان جوان ویادرجه‌دو م بارسنگین موضوعات یاد شده را میبردند . اکثر چهره های پـــرفرو غ ادبیا ت بنابر اهمیت نقش سیاست واداره در تعیین سرنوشت‌کشور به‌آن مرز گذ شتنـــــد . از محمود طرزی عبدالهادی داوی‌مولوی‌غلا م محی الدین ،مولو ی صالـــح محمد در صفحا ت روز نامه‌هاومجله‌ها تقریبا چیزی چـــاپ نمیشد . و عبدالعلی مستغنی شاعر استاد آغازقرن بیستم در دوا م این دهسا ل تنهایکی دو قطعه شعری چا پ کرده‌است. از مذنب وفانی وعبدالرحمان افغا ن محرر ادار ه سرا ج‌الا خبارکه‌اشعارشا ن پیوسته درسراج‌الاخبار چا پ میشد دراین دورهٔ شعـــری‌به‌نظر نمیرسد .

شعرا ی این دوره درهمان قالب‌های قدیمی موضوعات جدید رابیان کردندوبیشتر در وصف اعلیحضرت‌اما لله شعر می گفتند .و صف‌امیر مبا لغه شعر سده‌ها ی‌میانه‌رانداشت‌بلکه باذکر اصلاحاتیکه در زمینـــه های‌مختلف زنده‌گی بعمل آمدعلاقه‌وکوشش وی‌به آبادی‌مملکت‌وآرامی مردم ستوده میشد . شیراحمـــــدمخلص شاعر حضور اعلیحضـــر ت امیرحبیب الله نهضت دوراما نی‌رادر اشعارش ستایش میکـــرد و از پاینده محمد فر حت ،میرغلام‌حضرت‌شایق، خلیل‌الله کاتب وزارت مالیه (که‌شاید استاد خلیلی شاعرمعاصراست) ومحمد سرور درمجله ها و جراید پایتخت اشعاری چا پ‌میشد.منشی علی رضا ی میمنگی اشعـار خود را دراتفا ق اسلا م‌هرات‌چا پ‌میکرد. اشعار محمدیوسف‌پنجشیری و میرزا غلا م‌جیلانی سر کا تب‌اداره«ستاره افغان »در ستا ر ه ا فغـــان چاپ میشد وسید میر محسن آقای‌قندهاری اشعار پشتو می سرود و در «طلو ع ا فغان »و «اتحاد مشرقی»چا پ میکرد واز عبدالرحما ن تاجر هراتی اشعاری درانیس وامان‌افغان‌چا پ می‌شد.

ازفرحت شعری در(( اتحـــا دمشرقی)) چا پ شده‌است که‌در آن

شاعر همنوایی خودرا با پلانها ی‌اصلاحی دولت نشان میدهدو مـی نویسد :

به‌عدالت محبت است مـرا — به مسا وا ت الفت‌است‌مرا...
تیز فکری به انتظا م و طـن — تیغ بازی و غیر ت است مرا
چون صنایع ترقی ایجاداست — زان جهت ذوق صنعت‌است‌مرا
گشته پربرگ‌وبارباغ و طن — تاکه شوق فلاحت است مرا
ای‌وطن مال وجا ن‌فداکـردن — پی حفظ تونیت است مرا (۱)

شعرا همراه بامرد م حکو مـت‌امانی راباشور وشو ق پذیراشدندو

شاعری باتخلص حبیب در مخمسی‌بر غزل لسان الغیب حافظ که در امان افغا ن چاپ‌شده‌است ، بـا بهجت وشادمانی به استقبا ل‌نهضت امانی میرود .

شکر خداکه نخل‌مراد م‌ثمرگرفت — باغ امیدخلق‌عجب باروبر گرفت
آخردعای‌خسته‌دلان بین اثرگرفت — ساقی بیا که یار زخ‌پرده‌برگرفت

کارچراغ خلو تیا ن با ز در گرفت‌واز روی اختناق وبیداد زمان‌گذشته پرده برمیگیرد ومی نویسد :

هولی که خلق بنده وچون برده‌کرده بود
ترسی که دست‌وپا ی وزبا ن بسته کـرده‌بود
عیسی دمی خدا بفرستاد وبرگرفت

هرچند دربند اخیر تخلص‌شاعر(حبیب) ذکر شده‌است اما شنا خته نشد که کدا م حبیب بود ه‌است‌بهرصور ت باندیشه ((حبیب)) دیگـر شعرا ی این دورنیز موافق‌اند وبازبان ساده وروان وخالی ازهرگو نه تصنع‌وتکلف اصلاحا ت رامی‌ستایندبهترین نمونه شعر این ده‌سال‌شعر یست‌ازفرحت. م

ساده گی شعر ، ا حسا س‌ملـی که‌درآن نهفته است وتاییدپلانها ی دولت که‌از هرسطر آن میتا بد این‌شعر را از اشعار نمونه وار مـی سازد ومادر این جا بیشتر بیت‌های‌آنرا نقل میکنیم :

از خنجر آبدار افغـا ن — آبست بر و ی‌کار افغـا ن
در وقت غزا ثبا ت وجر ئـت — باشد به خدا شعار افـغان

مر دانگی و دلا ور ی هــا — سر ما یه افتخا ر افغــان
دیدیم به زور بار ها تافــت — سر پنجــهٔ با ز سار افغا ن
بر تانیه گر فتا د یك چــند — در فکــر شکست کار افغا ن
جز یا س نکرد هیچ‌خر من — از مزر ع کار زار افغــا ن
پوشید ه اگر چه بود منکــر — آن قا یل آشکا ر افغــان
از شا ن وشرا فت وحقوقش — ازعز ت و اعتبا ر افغــا ن
اینك بشنو که دا رد اظهــار — گشته است چو باز بار افغان
دار م سر دوستی و الفــت — بایار و فا شعــار افغــا ن
بر تا فــته نیـــر سعاد ت — بر ملت بخــتیار افغــا ن
تهذ یب ز گلــبن تمــد ن — گل ر یخته در کنار افغــا ن
از فیض عدالت است امــروز — در ام ن‌وامـان دیار افــغا ن
تیغ قلم و ز یا ن شمشــیر — گشته چو دستیا ر افغــا ن
آزاد ی ها گذا شته مر هــم — اخر بد ل فگــار افغــا ن...
در کار خود اختیا ر دارنــد — کس را چه غر ض بکار افغا ن
مشکل پس از این‌که‌بازگردد — کس مانع اقــتدار افغــا ن
گر بود برادر شـــ انا دو ل — ایــرا ن شده نیز یار افغا ن
با رو سیه عهد با شر ف‌بست — این دو لت هو شیار افغا ن
امریکه رفیــق با صفا یشــ — جر من شده دوستدار افغــان
ایتا لیه و فرانسس وژاپــون — شد قابل اقتدار افغان ...(۲)

باوصف آنکه در مد ت تقــریبا۹ سا ل پیشس از این دوره ده‌ساله شعرا ی سرا ج الاخبا ر نمو نه های‌اد بیا ت جا معه گرا را بو جــود آو رد ند و (اد ب فنی ) یعنی‌ادبیاتیکه‌مشو ق کا رو کو ششی ،تو سعــه معار ف ورشد صنایع شود واتحاددرمیا ن مرد م ایجاد کند و نها ل وطن پرستی راآب دهد ،یعنی به یك‌کلمه ادبیا ت درخد مت اجتــما ع کرسی خود را اشغا ل نمود . امابازهم در اخیر این دوره سوال اینکه به‌چگو نه ادبیا تی نیاز مندیم موردبحث قرار گرفت ودر صفحا ت‌سال دو م انیس مقاله های زیادی صبورپغمانی ، محمد سرور ،سرا ج‌الدین حبیب الله ط رزی ودیگران یکی به‌پاسخ دیگر ی نوشتند وبا لاخر ه

بحث به آن انجامید که افغانستان تنها به ادبیات واقعگرا که ارتقای مملکت را به‌سوی اوجهای سعادت وآبادی کمک کند نیازمند است.

دراین دوره کرکترها ماسک‌ابهام وتجرد را از چهره کشیدند و باخصوصیت طبقاتی شان به‌میدان آمدند نویسنده‌گان به دنیای درون کرکترها دریچه هایی گشودند وبه‌تحلیل هیجانات وافکار قهرمانان پرداختند ودراکثر آثار تاکید بر مشخصات ملی حوادث واشخاص بیشتر شد . مقاله های ادبی س.صمیمی که بیشتر آنها طرح داستانی شمرده شده میتواند گواه گفته های بالاست دراین ده سال رومان نویسی هم از نظر نیفتاد انیس موضوع رشوت را به قتراح گذاشت واز نویسنده‌گان خواست تادرآن موضوع رومان بنویسند وبه ارتباط آن درشماره چهل سال دوم این جریده این مطالب رامیخوانیم :

((رومان نویسی یکی از لذیذترین کارهای فن تحریر است ولی بدبختانه اهل قلم ومحرورین ماکمتر به‌این شعبه تحریر التفات نموده انداز این است که رومانهای غربی درعالم مطبوعات ماخیلی مقام گرفته است . اداره انیس برای خدمت کردن در راه این فن مسابقه یی را افتتاح میکند ، بدینگونه :

شروط مسابقه :

۱ ـ قصه باید در قالب رومان ریختگی باشد .

۲ ـ قصه نمبر اول همان بودکه تمام نزاکت های فن تحریر رادارا باشد، مثلا در تحلیل وترسیم وقایع مبالغه مرغرب در عین زمان معاشقه یاکدام ذریعه دیگر که‌قصه‌رامرغوب بگرداند محور گرفته شود . تصویر حوادث قریب الفهم ورقت آورباشدموضوع مربوط بیاید .

۳ ـ حوادث رومان در داخل وطن اختیار شود و همچنین افراد آن وطنی باشد .

٤ ـ مشروط است که در قصه مذکور یکی از اسرار و یا طریقه های عجیب رشوت آشکار شود .

٥ـدرازی موضوع یکی ازصفات خوب مسابقه خواهدبود...))

درباره متنی که نقل کردیم این نکات قابل ذکراست : یکی اینکه

روما ن های غربی درمطبو عا ت مابازارگرمی داشته است . سخن بر سر ترجمه‌هاست که اگر باهـــما ن‌آزادی وآسا ن نگری کارترجمه هـا ادامه می یافت یعنی هرکه هر چه‌بدست می‌آورد ترجمه میکـردد در واقع برادبیا ت وفرهنگ ما تا ثیرآن‌ناگوار وسوء بوده چاره کار رادر آن دیدند که بجایشس رما ن افغانی‌رابگذارند . دیگر، هرگاه مطا بـق شرایط وضع‌شده ، رما ن نو یسی‌در ادبیا ت مابراه می افتاد اسا س خوبی برای‌رمانهای واقعگرا یا نـه‌نهاده میشدامامثل‌اینکه این‌ژانرادبی درتاریخ ادبیا ت ماو قت زیاد تر ی‌کارداشت تابارور شود . تنـــها در سالها ی سه ی‌یکی دونمو نه ازا ن‌درپشتو ودر ی بو جود آمد که متا ـ سفانه بیشتر زیر تاثیر موا زیـــن‌هنری قرو ن وسطی قرار داشت و کمتر پاسخگو ی نیاز مندیها ی‌جا ـمعه آن و قت بود.

در باره وضع آثار ادبی‌روا یتی‌یاد آور ی چند نکته را ضرور ی‌می پندار م .

یکی اینکه در چند سال اخـــیرپژوهش درچگونگی به اصطـلا ح ((داستان نویسی)) در کشوربازرگرمی یافته اس ت‌وبه نامهای‌مقدمه بر داستا ن نویسی ،آغاز ین‌جو ـشش های داستان معاصر دری ، پیدا یی داستا ن معاصر دری‌وغیره‌مقاله هایی درمجله ها به‌چاپ‌رسیده است .نویسنده گان مقاله هـا ی‌مذکور به مسابقه برآمده اند کـه اولین داستا ن یا داستانها ی دری‌را پیدا کنند وآن داستانها رانقدو تحلیل نمایند .

حا ل آنکه در ادبیات جهـــا ن‌وافغانستا ن چیز ی‌به نا م داستان نبوده ونیست .

واژه داستان دارای مفهو مـــی‌انتزاعی ومجرد میباشد و مد لول مشخصی که‌قابل بررسی با شـــدندارد. آنچـه وجود دارد به نـــا م های داستان کوتاه ،داستان میانه‌وناو ل یارما ن یاد میشود، که‌هر کدا م ازنگاه تیوری ادبیا ت‌حدودوثغور معینی راحائز است . بنابر آن هر گاه بگوییم «اولین دا ستـــان‌دری)) ازنگاه ادبیا تشنا سی سخن بی‌معنی گفته‌ایم .

دریغا که گاهی دریك کتا بدهها داستان کوتاه وداستا ن میا نه زیر وروی شود وگویا تحلیل وسنجش میشود بدو ن آنکه معین شده باشد که آثار به اصطلاح تحلیل شده به کدا م ژانر روایتی تعلق دارد. در چنان مورد سوالی به و جـودمی آید که تحلیل ها بر کدا م معیار ها استوار بوده است . هر چـندمعیار های تکنیکی برای داستا ن به معنای عا م کلمه وجود دارد که آثار ادبی روایتی رامثلااز تاریخ مجزا سازد. مگر وقتیکه آثـارادبی مشخصی را تحت سنجش بگیریم باید نخست وپیشس ازهر کار دیگرژانر اثر رامعین سازیم و بعد آنرا مطابق ارزشنما های هما ن ژانـرادبی بررسی نماییم .سالهامنتقدان ادبی برسر آنکه پدران و پسرا ن تورگینف ومادرگورکی دا سـتا ن است یارما ن بحث های داغی کرده اند .پس پژوهشس آثار ادبی روا- یتی زیرعنوان کلی و عا م داسـتان نشاندهنده برخوردی غیر علمی به مساله ونگرشی عامیانه میباشد که عملا هیچ گرهی را برای خواننـده نمی کشاید .

دیگر اینکه بنابر غلبه رمـــان ارو پایی بر ذهن فرهنگیا ن ما ، در نهضت ادبی نیمه او ل سـدهٔ بیستم توجهی هم به رمان نویسی صور ت گرفت ، چنانکه اقتـرا ح انیس دراواخر دورهٔ امانی گـواه این گفته میباشد واکثر آثاری که نگارش یافته به عقیده خودنویسنده گان رما ن بوده است . چنانکـه عبدالقادر تصویر عبر ت، محی الدین انیس ، ندای طلبهٔ مـعار ف وعزیزالرحمان فتحی صحنه حیا ت را رما ن وآخرین را رما ن کو چك نامیده اند .

اما بانظرداشت تعداد کرکـترها، ساختما ن سوژه و حجم شماری از نگاشته های نیمه اول قرن بیستم را داستا ن میانه باید شمـر د و مطابق معیار ها ی هما ن ژانر ادبی باید تحلیل وارزشیابی نمود، مانند: تصو یر عبر ت ،جهاد اکبر ،شام تاریك و صبح روشن،در جستجوی کیمیا ، صحنه حیات، فیـــروزوغیره .

همچنا ن شماری داستا ن کوتاه است وباید مطابق معیار هـــا ی داستان کوتاه سنجیده شود .

یکی از داستانهای میا نه که‌دردوره امانی نگارش یافته است‌جشن استقلال افغانستان در بولیو یا می‌باشد (۳) . این اثر را صرف‌بخاطر آنکه دفاع‌از سرمایه‌وسیا ست‌خارجی‌دولت امانی در آن به روشنی انعکاس یافته‌است با تفصیل‌بیشترمعرفی خواهیم نمود .

نویسنده‌داستان‌مرتضی احمد خا ن محمد زاییست. معلوم است که‌داستان به‌زبان‌انگلیسی نوشته شده‌است که غلا م نبی جلال آبادی مدیر وسر محرر اما ن‌ا فغا ن که در (شو رش )سقاءکشته شد یاشاید کدا م غلا م‌نبی‌دیگر آنرا ترجمه کرده‌است .کر کتر مرکزی داستا ن مرد ثورتمند ی‌است‌بنا م گل احمد وحواد ث چنا نکه از عنوا ن بر می آید در بو لیویااتفاق‌می‌افتد .

خلاصه داستا ن چنین‌است :

حکومت بولیویا بر تما م افغانان‌مقیم آن‌کشور فشار می آورد که‌هر چه زودتر خا ك آن کشور را تر ك‌بگو یند . گل ا حمد صا حب فابریکه وما ل وملك فراوانیست وباتعداد ی‌ازافغانا ن مقیم بو لیویا زنده گی خو شی راسپری میکند . وی‌عاشق‌دختر یست ازاهل آنکشور و به مناسبت ودا ع بامعشوقه اش‌دعوت‌مجللی ترتیب میدهد ومیخوا هد در آن‌دعو ت عشق خودرا بوی اظهـارکند واورابرای همیش پد رودبگوید. اتفاقاًدرجریا ن محفل گا هیکه‌سخن‌از ودا ع تلخ‌ابد ی میرود گل احمد اطلاع می‌یابد که نماینده سیا سی‌افغانستا ن وارد بولیویا شده است وقرار است‌بین آن دو کشورروابط‌سیاسی قایم شود. گل‌احمد بدیدار نماینده افغانستا ن می شتا بد وازوی‌خواهش میکند که از حکو مت بولیو یا تقا ضا نماید تاباافغانان‌مقیم آن کشور نیز مانند اتبا ع‌دیگر کشور های دوست‌رفتارکـنند وبرا یشان اجا زه‌نامه اقامت بدهند. این مشکل به‌کمك نما ینده‌افغانستان‌حل میشود و گل احمد وافغا نا ن دیگرروزی بیرو ن شهر باشادمانی‌جشن استقلال کشور شانرا برگزار می‌کنند .

دراین داستان میانه تا پیدی ازسیاست خارجی دو لت نهفته است که افغانا ن خار ج کشور را از بی‌پناهی وزبو نی نجا ت میدهد مخصوصاً نجا ت ملیونها دالرثروت‌گل احمد افغا ن قابل توجه است. درآن اثر از منا فع سر مایدارحمایت‌میشود که در حال رشدبود ودرحا ل پیکار باملاك وارزش های نظا م ملاکی.((لوحهٔوفا)) دا ستا ن کو تاهیست که در این‌دورهٔ‌ده‌ساله نوشته شده واز نگاه طر ح بیانگر رشد نسبی هنر دا ستان‌نویسی درافغانستا ن وآشنا یی نویسنده با داستا ن هنری اروپا پیست وازنگاه مو ضو ع پیشر فت ذهنی جامعه افغانی رابه‌مر حله‌بالا تر ی‌نشا ن میدهد . نویسنده ((لوحه وفا)) میر غلا م حضر ت‌شایق‌شاعر است که گاه‌گا هی به قصه نویسی ونگارش مقاله ها ی‌انتقاد ی و نا مه ها ی طنزآمیزو فکاهی پرداخته است نکته مهم درداستا ن((لوحه وفا )) آنست که‌بر خلاف پندار منفی که‌در باره ز ن ازسده‌ها ی دور در ذهن افراد جا معه ماوجود داشت به صور ت بی‌سابقه‌زن چون نماد بیو فایی و فریب نه بلکه چو ن سیما ی و فا و استوار ی‌به پیما ن زناشو هری در قصه ظاهر میشود .

نم داستا ن حسد است وخلاصهٔ آن چنین که مرد زشت رو ی‌وزشت خو یی ز ن مهر بانی دارد که‌اورابا هما ن ار زش ها ی جا معه شرقی وافغانی مو لای خود ومحبو ب‌خودواختیا ر دار همه زنده‌گی خود میداند .

مگر مرد به پندار آنکه زنش‌جز و ی به کسی دیگر نیز نظر دارد روزها رنج میکشد وگاه‌بیگاه‌بخانه سرمی زند تا زن راغافلگیر کنید روزی ازروزها که زن درتنهایی با تصویر همسر کج اند یشس غم های خودرا درمیا ن گذا شته‌است، از او سبب کج خلقی‌هایش رامی پرسد وبه او ازعشق وآرزوهای خود سخن میگوید ،مردپنهانی وارد خانه می‌شود وبه‌تصورانکه‌زن‌راباسند خیانت گرفتار کرده‌است تفنگچه رابه پشت وی آتش‌میکند.زن درمیا ن خاك وخو ن می‌افتد .

مرد م جمع میشوند .وآنگاه کـــه‌پلیس دست های قاتل رامی‌بندد‌تا بد‌ا‌د ه‌گا ه ببرد زن مجر وح‌درآخرین‌لحظه ها ی حیا ت با نجو ا خوا هش میکندکه همسر ش رانیــاز ارندودست از او بدارند البته دربو جود آمد ن چنین پر سونا ژی‌تبلیغا ت‌سرا ج الاخبار به‌سود حقو ق‌زنان و نشریه «ارشادا لنسوا ن)وگشا یش مکاتب دختران و فرستاد ن شا ن به‌خار ج برای تحصیل ودیگر‌گامها ی اصلاحی به این سمت بی تاثیر نبوده است. ((لو حـــه‌وفا))که در خط فا صل افسا نه و دا ستا ن کو تا ه بیشتر به ســوی‌دا ستا ن کو تا ه می لغزدهنو زخامی هایی دارد . مثلاهر چند روا ن پرسوناژ هاگشوده میشود اما سیمای هر پر سونا ژخو ب روشن‌نیست‌زما ن ومکا ن وحواد ث دستکار ی هایی کار دارد تا داستان ازهیکل‌یك طر ح خارج‌شود . در بیـــا ن داستا ن ازنظم ونثر کار گر فته‌شده‌اسد ت‌که هر دو چنا نکه‌شیوه شایق بود ساده ومو ثراست .

این نکته ها راهم باید زیاد کردکه‌نقش نظم دراین داستا ن مانند نثر ها ی‌قدیمی تاکید مطا لـــب‌گذشته نیست ، بل‌که هریك‌به‌نو- بت بخشی از داستا ن را افاده می‌کند وروش توصیف جای هـــا و حواد ث‌واشخا ص بیشتر به متودواقعگرایی نزدیك است. (٤)

تا نمیه این دو ر ه حکو مت اما نــی‌مصرو ف‌تثبیت مو قف سیا سی مملکت درجها ن خار ج‌وتنظیم قوه‌های اجراییه مقننه وقضا ئیه بودو بنابر ضرور ت مبر می که‌به کادرملی احساس میشد در کارگسترش تعلیم وتربیه وتاسیس مکا تـــب‌تلاش زیاد کرد اما درسا لهای‌اخیر بنابر آنکه وضع قوانین منا فع‌کسا نی راکه نفو ذ و قدر ت اجتماعی داشتند متضرر می‌ساخت ناآرامی‌هایی در کشور بو جود آمد ، کـــه دو لت راسخت مصرو ف ساخـت‌وبنابرا ن به ادبیا ت توجـه لا زم نشد . نه دیوان شعر ی چاپ‌شدنه‌اتحادیه وانجمنی از شعر او نو - یسنده‌گا ن بوجود آمد . در حالیکه‌دربار باداشتن وسایل کا فی‌تبلیغ در ا ختیار خود به شعراحساس‌نیاز مندی‌نمی‌کرد، خارج‌دربار نیز زمینه

جمع‌شد ن شعرا ونو یسنده‌گـا ن‌چیده نشد وبنا بر آن ادبیا ت به تناسب دیگر مظاهر فر هنگی‌رشدنکرد ودرسطح ستایشگر ســا ده اصلاحا ت باقی ماند .

موسیقی : تمایلات ملی( اخوا ن‌افغان) د رتما م وجوه فرهنگ‌کشور نقش خود را گذاشت و مخصوصاپیکار با استعمار که احسا سا ت ملی مرد م مارا آبیاری کرد و ملت‌را یك پارچه ومتحد ساخت با عث آن شد که در مرز موسیقی نیـــزدرفش آزادی به اهتزا ز در آیدو این هنر نیزبه نوبت خود درخدمت‌دگرگون سازی زنده‌گی بیفتد .

دراین دوره که تسلط مو سیقی‌کلاسیك هند ادامه می یافت استاد قاسم بنای مکتبی رانهاد که پا یه‌های آن ترانه و غزل راگ وراگنی بود . راگ باغز ل می آمیخت وهرمقا م به وقت خا صی پیوندداشت وچو ن تعهدی در برابر اجتما عش‌احسا س می کرد و بامو سیقـــی خالص نمیتوا نست پیا مش رابه‌گوش شنو نده برساند ، بنا بر ان از شعر کمك میگرفت و به شعـرار ج بیشتر م ی‌نهاد و حتی بـــا پیروی از سنت کهن شعر در ی‌ازلطف و حلاو ت بدیهه سرا یـــی استفاده میکرد . خواننده می‌بایست‌به وقت پناه ببرد وبا خوا نـــد ن متوالی ودراز مد ت ازیك سوء‌تسلط‌خود را برپیچ‌وخم شعر واو از نشان دهد ، حاکمیت خودرا بر حنـجره،بنما ید واز سو ی دیگر به کمـــك مخیله شنونده دنیا های نوی‌بسازدوشنونده رادرا ن قرار دهد وبعداو رابگذارد که درا ن دنیا ها ازفضای‌ساخته آواز خوا ن لذت‌بگیرد .

این موسیقی دیگر مو سیقـــی‌هندنبود باآنکه از ریشه آن روییده بود مو سیقی افغا نی بود واستادقاسم آنرا موسیقی افغا نی‌مینامید.

استاد قاسم فر زند استادستارجو درسا ل ۱۱۶۲ تولد یافت . در آغاز شاگر دپدرخود بود واز محضردرس استاد قربانعلی نیز استفاده کرد و بعد یکی ازشاگر دا ن برازنده پیاراخا ن هندی بشمار مـی رفت ودر آواز خوانی هم‌در اوایل‌از او پیروی میکرد اما و قتیکه به پختگی رسید بنای طرز خا صی رانهاد که به طرز قاسم مشهوراست.

استاد قاسم بیست ساله بودکه بدربار امیر عبدالرحما ن راه یا فت وامیر به ربابی که قاسم می نواخت ساعتها به شیدا یی گوش میداد. می گو یند یك ربا ب صد ف نشان طور بخشش به وی داده بود. در بیست ویك سالگی آواز خوان بز م های سر دار نصرالله شـــد و بیست وپنج ساله بودکه سرا ج -الملة والدین امیر حبیب الله اورا چون خواننده دربار پذیرفت . امیربه بیدل علاقه فراوا ن داشت و امر کرده بود که در حضور او بجزشعربید ل خوانده نشود واستا قا سم نیز از ارادتمندا ن بید ل وازعا شقان وفادار سخن ابوالمعا نی بود. هنر استاد قاسم تنها دردوره نهضت امانی به مسیر شایسته افتـــاد و حنجره او صدا ی مرد م راسرداد. استاد قاسم نخستین ترانه استقلال راخواند وشعر :

مکتب ماست جای استقـلا ل سبق مـــا هوای استقـلا ل

به آواز ترو گوش نشین او وباطرز یکه خود ش سا خته بود بعداز پیروزی افغانستا ن در پیکار آزادی بخش سا ل ۱۹۱۹ بار ها دربز م هاطنین انداخت . استاد قا ســم به وسعت وعمق احساس همه مردم ما بااستعما ر کینه می ور زید وآزادی رادوست داشت.

زما نیکه دا بس بر یا ست هیئت انگلیسی برای مذاکرا ت صلح به افغانستا ن آمد و هنوزکه مذاکرات به نتیجه یی نه انجامیده بود شبی در دربار بز می آراسته بودنـــد واستاد قاسم آواز خوا ن بز م بود . دابس باوی سر صحبت را کشودوپرسید که استاد کـــدا م آ لا ت موسیقی را نواخته می تواننـــد .استاد قاسم گفت : تقریبا همـــه دابس پرسید : پیانو را هم نواخته می توانید ؟ استاد قاسم پاسخ مثبت داد. سپس از استاد قا سم خوا هش کردکه یکی از آهنگ ها ی نو خود رابه وی یاد بد هد .استادقاسم که مرد ی د ل آگاه بودآهنگی را سرکرد و دابس هم شاگردا نه از او متابعت میکرد تاآنکه دفعتاً متوجه شد که ترانه استقلال رامی خواند . مجا ل خود داری نبـود . دابس قبل ازآنکه به صورت رسمی استقلال افغانستا ن را به رسمیت

بشناسد وقرار داد صلح را امضاءکند ترانه استقلال افغا نستا ن را هم آواز با استاد قاسم تا آخـــرخواند .

استاد قاسم در دربار امیرامان الله به حیث استاد موسیقی مـقرر شده‌بود .وبه اخذ دونشا ن‌الماس‌وطلابه نامها ی نشا ن (مسر ت)و (یادگار استقلال ) سر افرازشد.

اعلیحضر ت امیراما ن الله بـه‌استاد قاسم لقب های (استادقاسم افغان )و (آفتا ب موسیقی ) عطاءکـــرد .

چهره تابنا ك دیگری که در آن‌دوره بعداز استاد قاسم جلب‌تو جه میکند استاد غلا م حسین است .اورا تقریبا قطب مقابل قاسم مــــی شناسند به اعتبا رآنکه وی بـــه‌موسیقی خالص بدو ن مداخله‌وسهم شعر ارزش بیشتر می گذا شت وهمیش در تلاش تا ز ه گـی بود و بیشتر درمدار س و کودکستا نهااز هنر ش برای پرورش ذو ق و استعداد کود کا ن کار می‌گرفت.

در آخر های این دو ر ه در مکتب‌موزیك محمود آقا ی ایرا نی که از طر ف وزار ت حربیه استخـــدا م‌شده بود مو زیك غر بی راتدریس کرد واین آغا ز ورود مو سیقـــی‌غربی در افغانستا ن بود .

نقاشی : در هنر نقاشی این‌دوره‌آمیزشی ازنقا شی غر بی وشیوه ها ی شرقی دیده میشود وبعضی‌ازنقاشا ن در عین حا ل بهر دو ـ روش آثار ی بوجود آورده اند .واین آمیزش البته بیشتر در مکتب رسا می آنو قت صور ت گر فتـه‌است . پروفیسور غلا م محمد که در آغاز به مینا تور علاقمند بـودبعد از تحصیل در اروپا به شیوه ها ی ار و پا یی تما یل بیشترداشت‌ووی در مکتب رسا می شا گر دان زیاد ی تر بیه کرد . و همچـــنان‌استاد برشنا درســـا ل ۱۹۲٦ تحصیلات خود را دراکاد می هنـرها ی ز یبا ی بر لین ، میو نیـــخ ولایپزیگك تما م کرده به و طن‌آمدوبه کار تد ریس پردا خـــت .در پهلوی آنا ن خلیفه علی احمدنقاش‌پسر محمد حسن شاگرد میرحسا م الدین درنقاشی میناتور استاد بودوشاگردا ن زیاد ی‌تربیه کرد ومیر حسا م‌الدین نقا ش که اصـــلا ازغزنی بود وبعدا درکابل بودو باش

داشت بااستفاده از رنگهای طبیعیمینا تور ها ی ز یبا به و جودمی‌آورد.
وی‌در تذهیب کتب ونقا شی‌با لای‌قلم دا ن . مهار ت زیادی داشت‌و
از قلم دا نها ی او یکی دو تا درموزهٔ کابل نگهداری میشود .خلیفه
محمد حیدر نقا ش بر علاوه نقاشی‌از معلمین اطریشی که در زمـــان
جنگ اول‌جهانی به افغا نســـتان‌آمد ه بودند پیکره سا ز ی‌را آموخت.
در مکتب رسا می نما یند گـا ن‌نقاشی شر قی وغربی شا گردا ن
را با تما یلات دو گا نه پرورشـــ‌میداد ند .
نبرد نقاشی اروپا یی با هنرها ی‌تذهیب وتزیین قلم دانها ومیناتور
اصیل افغانی درهمین دوره به‌وجودآمد که درسالها ی بعد پر چـــم
پیروزی بدست نقاشی های‌اروپایی‌افتاد.
استاد مسلم وبی رقیب این‌دوره‌پروفیسر غلا م محمداست کـــه از
جمله اعضا ی فعا ل سا زمـــان(اخوان افغا ن)بود . پروفیسرغلام
محمد درسا ل ۱۲۵۲در شهرمیمنه‌به دنیا آمد . وی پسر عبدالبا قی
بود که در عهد امیرعبدالر حمن به‌جر م پشتیبا نی از سر دار محمـد
اسحق به کابل آورده شدو اعدا م‌گردید . املاکش ضبط شد وخا ـ
نواده اش تحت نظار ت در کا بل‌بسر میبرد ند و با جیره یبکه دو لت
میداد امرار حیا ت می‌کردند .
امیر عبدالر حمن استاد محـمداعظم ابکم نقا ش دربار را مو ظف
ساخته بود تا با میر حسام الد ین‌نقا ش ویکنفر طبیب انگلیســـی
موسو م به جا ن گر ی که دردربار‌استخدا م شده بود غلا م بچه هارا
نقاشی ومیناتور بیا مو زند کـــه‌غلا م محمد نیز در شمار شاگردان
شا ن بود . سپس درعهدسرا ج الملة والدین به (جمعیت سری‌ملی)
داخل شد ودرسا ل ۱۹۰۹که‌عریضه‌مشروطه خواها ن رابه جلال آبادبه
حضور شاه برد به امر امیرزندانی‌شد ودوسا ل درزندا ن بود.درسال
۱۹۲۱ به ار و پا غر ض‌تحصیل‌اعزام‌گردید وبعد از ختم تحصیـــل در
المان به و طن برگشت ومدیرمکتب‌رسامی مقرر شد ودر سا ل ۱۹۲۸
زمانیکه اعلیحضر ت امان الله درسفر اروپا بود وکیل سلطنت‌بنابر
خد م ت‌صادقانه اش‌نشان((ستور)) بوی‌داد. پروفیسور غلا م محمـــد

بشیوه غربی نقاشی میکرد . وی به عمر ٦٢ ساله درسال ١٣١٤ در گذشت.

سینما وتیاتر :

این دو هنر نیز در این دهه تا بنا ک فرهنگ کشور ما ازنظر نیفتاد سینما در کابل در سال ١٣٠٣ در قصر سلامخانه شاهی عصر امیر عبدالرحمان با نمایش فلم های صامت آغاز یافت وسالی بعداز آن درپغمان بنای سینمای دیگری گذاشته شد .سینمای گویا تنهادرسال ١٣٠١ در کشور ما راهش راکشود .

حکومت امانی نقش تیاتررادرروشن ساختن اذهان مردم مهم می پنداشت وشخصی اعلیحضرت امان الله در نخستین سالهای سلطنت درانديشه تاسیس تیاترافتاد . نخستین درامیکه به نمایش گذاشته شد ((شهزاده جاوا )) نام داشت که مترجم آن بدری بیگ قانون دان ترکی بود. که به حیث مشاور قانون درشورای دولت استخدام شده بود . نویسنده درام متاسفانه معلوم نیست .

موضوع درام عشق شهزاده جاواست با دختری هالندی که تمام ثورتهای کشورش را .بر سر ان عشق میگذارد ، وسر انجام مردم از وی متنفر میشوند واو برای شکستاندن مخالفت روشنفکران خشمگین ونارا ضی از زنجیروزندان کار می گیرد . تاآنکه روزی دربرابر پاسخ های تکاندهنده منصور مدیر اخبار که با غل و زنجیر دربرابرش قرار دارد به لغزش های خود اعتراف میکند و شیشه زهر را می نوشد .

درام مذکور بارو حیه آن زمانی مردم ما که تازه آزادی خود را به دست آورده بودند و هنوز زخم های وابستگی وجنگ در پیکر شان خشک نشده بود ساز گاری شایسته یی داشت وبرای زنده نهگدا شتن روحیه ضد استعماری و آزادگی فوق العاده کارگربود .

برای تمثیل درام به تشویق شاه از اهل دربار و خدمتگاران حواشی آن نیز استفاده میشد .

و قصر های شاهی برای نمایش تخصیص می یافت و حتی زیورات ملکه در اختیار ممثلین قرار میگرفت .

نخستین درا م را شخص امیـرامان الله مطالعه کرد و آنرا یك‌درام آمو ز ند ه و مهیج ود جتماعی داشته‌وتمثلیشس را سود مند شمرد . در نگار ش ،ترجمه وتمثیل نمایشس‌نامه ها این اشخا ص سهیم‌بودند :

محمد فر خ افندی
محمد سرور گویا اعتماد ی
مولو ی غلا م محمد
عبدالغیا ث از ملتز مین رکاب‌شاه
حسن جا ن ضیایی پسر عمو ی‌شاه
میر محمد کاظم هاشمی
صلاح‌الد ین سلجو قی
حافظ نور محمد کهگدا ی
فیض محمد ذکریا
علی افند ی مهند س آذربایجانی
بدری بیگ قانون دان تر کی
عبدالعزیز ناصری
نور محمد
علی محمد
محمد سرور صبا
میرزا عبدالله طویل
محمد اکرم ...(۵)

درسا ل های چهار م جشـــن‌استر داد استقلا ل درام فتح‌اندلس توسط متعلمین مکتب به‌کمك‌معلمین‌ترک در پغما ن نمایشس داده شد . این درا م چهار پرده یی آخریـــن‌نمایشنامه یی بود که در این دوره دهساله روی صحنه آمد و آخرین‌بار در (دوره سقوی) در سو مین شب جشن استقلال در قصـــــرسلامخانه ستور نمایش داده‌شد(٦)

هنر تمثیل در این دو ر ه دهساله‌بیشتر برا ی زنده نگا هدا شتـن روحیه و طن پرستی ، آزادی‌دوستی‌ورزمنده‌گی بر ضد هر نو ع‌مداخله خارجی در کار مملکت به کار مـی‌رفت وبیشتر نمایشنا مه ها ییکه روی صحنه آمد از این دست بود.

دیگر نمایشنامه هاییکه در دوره‌امانی نگاشته به نمایش گذاشته‌شد عبارت است از: محاربه تل، پسری‌که به اروپا میرود، مسابقه خواب و بیداری، صحبت های اخلاقی، بچهٔ بی‌پدر ، تربیه‌پدر، علم‌وجهل‌وغیره.

نویسنده‌گان اکثر نمایشنامه های‌مذکور معلوم نیست .

موضوع نمایشنامه هااز اصلاحات‌دوره امانی گزیده‌شده‌بود ونویسنده بر نقش آموزش وپرورش درزنده‌گی‌تأ کیـد مینمود یا وطـن دوستی را تبلیغ میکرد ویا شیوه زیست وتفکرعصر نهضت امانـی را بـرجسته میساخت .






**یاد داشت ها :**

١ ـ اتحاد مشرقی ، ١٥ میزان، ١٣٠٠

٢ ـ امان افغان ، شمارهٔ ٤٨ ،سا ل او ل (١٦ جوزای ١٣٠٠)

٣ ـ امان افغان ، شماره ٤٧ ،سا ل ٨

٤ ـ امان افغا ن ،شماره ها ی٥١ و ٥٢ سا ل نهم

٥ ـ غلا م حضر ت کوشا ن ،هنر تمثیل د رافغانستا ن، مطبعه دولتی ، ص ٤٨ تا ٦٤

٦ ـ تمثال فتح اند لس درشب‌چها ر شـــــنبه »، حبیـــب‌الاـ سلا م ،شماره های ٢٥ و٢٦سال‌او ل (١٣٠٨ هـ. ش)



شماره ۳٤۷

دولتی مطبعه